

۲ یادداشت سردبیر

سواد تشخیص

گفت و گو

۳ منابع وب از دید معلم/ دکتر محمد عطاران

علمی

۶ گول زنک (هوکس)ها / زینب گلزاری

گفت و گو

۸ زندگی، ارزش‌ها، آموزش / علیرضا منسوب بصیری

علمی

۱۱ نوشتن سخت ولی نغز است / محمد عطاران

۱۴ ضرورت سواد رسانه‌ای برای معلمان / زهره کرمی

طنز

۱۶ داستان باورنکردنی پژوهش و رسانه / رویا صدر

تجربه

۱۸ ساعت آفتابی در کره ماه / هیوا علیزاده

معرفی برنامه

۲۰ یادم باشد / مریم فرحمند

تجربه

۲۲ چه کسی پژوهش کرد؟ / صغری ملکی

آموزش

۲۴ چگونه یک برنامه بسازیم / عبدالحمید پهلوزاده

۲۶ مقاله‌های رسیده و کال / تحریریه مجله

تجربه

۲۸ یاد ایامی که گوگل نبود / سعیده باقری

۲۹ چقدر مفاخر خود را می‌شناسید؟ / سیده فاطمه شبیری

معرفی سایت

۳۲ مشابه‌یاب مقالات / فرشته سعیدی



نویسندگان و مترجمان محترم!

- این مجله متعلق به شماست. تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها در مجله، علاقه‌مندان به این حوزه را در تجربیات خویش شریک سازید. شما عزیزان تقاضا داریم:
- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد در جای دیگری چاپ نشده باشد.
 - مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده در ارتباط با فناوری و کاربرد آن در کلاس درس نباشد.
 - مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
 - نثر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
 - در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع بیاورید.



با ما از طریق پیامک در ارتباط باشید

هر مطلب مجله دارای یک کد شناسایی است که در کنار عنوان مقاله درج شده است. چنانچه نظر، پیشنهاد یا انتقادی به هر کدام از مقالات مجله دارید، می‌توانید با ارسال کد مطلب و نظر خود به شماره ۰۸۹۹۵۹۶۰۰ ما را در جریان نظرات خود قرار دهید.

سواد تشخیص

را «سواد رسانه‌ای» خوانده‌اند؛ سوادی که به شخص کمک می‌کند منابع مورد نظر را بیابد، بفهمد، تحلیل و ارزیابی کند و در میان انبوه پیام‌های رسانه‌ای، پیام مورد نظر خود را خلق کند (Livingstone, 2004). بخش زیادی از اوقات جوانان ما اکنون با رسانه‌ها اشغال شده است. بر شمار کسانی که از اینترنت و ماهواره، و رسانه‌هایی مانند وبلاگ، فیس‌بوک و مانند این‌ها استفاده می‌کنند، هر روز افزوده می‌شود اما همان‌طور که سلوین^۱ (۲۰۰۹) نشان داده است، مرادوت و تماس نوجوانان و جوانان با رسانه‌های جدید به معنای آن نیست که سواد رسانه‌ای را دارند. بی‌سوادی رسانه‌ای موجب آن شده است که نسل جوان گاه دچار حیرانی، سردرگمی یا شیفتگی بی‌اساس شوند و نتوانند آن‌گونه که شایسته است، از رسانه‌های گوناگون بهره‌مناسب ببرند.

امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته تجهیز دانش‌آموزان به سواد رسانه‌ای از اولویت‌های نظام آموزشی است؛ سوادی که به نسل جوان کمک کند پیام رسانه را دریافت کند و درست و نادرست آن را تمیز دهد و ارزیابی کند. به‌نظر می‌رسد همان‌طور که با انتشار کتاب بحث سوادآموزی در معنای توانایی خواندن و نوشتن کتاب، در اولویت قرار گرفت، لازم است به موازات رشد بی‌سابقه استفاده از رسانه‌های گوناگون، آموزش سواد رسانه‌ای نیز مورد توجه مسئولان نظام آموزش رسمی کشور و رسانه‌ها قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Selwyn

منابع

- Livingstone, S. (2004). Media literacy and the challenge of new information and communication technologies. *The Communication Review*, 7(1), 3-14
- Selwyn, N. (2009, July). The digital native—myth and reality. *In Aslib Proceedings* (Vol. 61, No. 4, pp. 364-379). Emerald Group Publishing Limited.

نسل من نسلی بود که با کتاب برآمد. خواندن رمان‌های بلند، مانند «جنگ و صلح» چندان عجیب در نظر جلوه نمی‌کرد. نسل من «متن‌محور» بود و بر کتاب تأکید داشت. نسل حاضر نسلی است که رسانه او به کتاب محدود نمی‌شود. انواع و اقسام رسانه‌ها او را احاطه کرده‌اند. عادات نسل حاضر به شدت در حال تغییر است. دیگرگویی حوصله‌ها تنگ شده‌اند اما نه مدح گذشته راه به جایی می‌برد و نه مذمت اکنون گرهی را می‌گشاید. بیهوده نیست که همه چیز در حال فشرده شدن است.

زمانی برای کم‌حوصلگان به جای متن کامل دیوان شعرا، به نشر گزیده آن می‌پرداختند و اکنون به چکیده‌ای بسنده می‌کنند. از میان آن همه اشعار شاعران بزرگ، چکیده‌ای از ابیات و کلمات بر صفحه‌های سفید. در نهایت چند کلمه‌ای از شاعران دانستن و آن‌ها را فراموش نکردن. وایبر، فیس‌بوک و توئیتر ما را به‌سوی کم‌گویی، کم‌خوانی و کم‌دانی می‌برند. میزان تأثیرگذاری رسانه‌های جدید نیز چندان شگفت است که به یکباره خبری به سرعت در شهر می‌پیچد و دست به دست می‌شود؛ بی‌آنکه از صدق آن اطمینانی باشد.

در هجوم رسانه‌ها و انبوه پیام‌ها، مخاطب باید توانایی درک و فهم، تجزیه و تحلیل، و ارزیابی پیام رسانه را داشته باشد. بداند اطلاعات مورد نیاز خود را کجا باید بیابد و چگونگی سنجش آن را بداند.

من به‌عنوان معلم دانشگاه، فراوان با سؤالاتی از این قبیل مواجه می‌شوم: «بهترین موضوع تحقیق در حوزه... چیست؟» یا با درخواست ارسال مقاله یا کتاب در حوزه مشخصی از تحقیق روبه‌رو می‌شوم و در عجب می‌مانم که مگر می‌شود برای کسی مشخص کرد، کدام موضوع مهم است! کسی که نمی‌داند منابع مورد نظرش کجا هستند، چگونه می‌تواند تحقیق خود را راه‌برد؟ متخصصان تعلیم و تربیت دانش مناسب در این حوزه

منابع وب از دید معلم

گفت‌وگو با دکتر فائقه محمدی

دکتر محمد عطاران
عکس: رضا بهرامی

دارند و شاخص‌های قابل قبول برای اینکه آن‌ها بتوانند این گونه منابع را به دانش‌آموزانشان معرفی کنند چیست؟ یکی از ویژگی‌های مدارس هوشمند این است که معلمان را تشویق می‌کنند محتوای الکترونیکی را خودشان ایجاد و در تدریس کلاسی از منابع الکترونیکی استفاده کنند.

● آیا شما برای سنجش کیفیت منابع وب شاخص‌های مستقلی دارید؟

○ من این شاخص‌ها را از دیدگاه معلمان ارزیابی کرده‌ام. خودم هیچ شاخص خاصی نداشتم و پیش‌دآوری هم نکردم. سعی کردم جامعه انتخابی‌ام کسانی باشند که در استفاده از این منابع تبحر و تجربه کافی دارند. سوالات پژوهشی من حول محور

این اطلاعات را که در این وبگاه‌ها و وبلاگ‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند، از دیدگاه معلمان مدارس هوشمند سنجیده‌ام.

● چرا مدارس هوشمند؟

○ هدف تحقیق من سنجش کیفیت منابع اطلاعاتی وب فارسی است. من مدارس هوشمند را انتخاب کردم؛ چون مدارس معمولی استفاده‌کنندگان واقعی منابع وب در ایران نیستند. آن‌ها بیشتر از منابع سنتی استفاده می‌کنند و به سراغ منابع الکترونیکی و وب نمی‌روند. مدارس هوشمند تنها مراکز آموزشی در ایران هستند که با هدف استفاده از وب در آموزش پایه‌گذاری شده‌اند و در این زمینه پیش‌تازند. براساس خط‌مشی تعیین‌شده، معلمان این مدارس در کلاس با ویدیوپروژکتور کار می‌کنند و طرح درس‌هایشان را اکثراً به‌صورت الکترونیکی تنظیم و در تولید محتوای الکترونیکی از منابع وب استفاده می‌کنند.

بنابراین، من نظر معلمان را به‌عنوان مهم‌ترین استفاده‌کنندگان منابع اطلاعاتی وب در آموزش‌وپرورش سنجیدم تا ببینم کیفیت منابع اطلاعاتی آموزشی فارسی موجود در وبگاه‌ها تا چه حد مورد تأیید معلمان است و اگر نیست، تا چه حد کیفیت باید بالا برود. این منابع چه مشکلاتی برای استفاده

▲ اشاره

با توجه به رشد فناوری ارتباطات و اطلاعات در امر آموزش در سال‌های اخیر، دانشجویان و دانش‌آموزان بیشتر به استفاده از منابع اینترنتی تمایل پیدا کرده‌اند تا منابع چاپی و سنتی. دانش‌آموزان و معلمان از منابع اطلاعاتی و سرویس‌های تحت وب بیشتر برای برقراری ارتباط و نیز انتقال مفاهیم آموزشی استفاده می‌کنند. استفاده از منابع وب مستلزم برخورداری این افراد از سواد رسانه‌ای است. تعریف کلی سواد رسانه‌ای شامل توانایی افراد در دستیابی به اطلاعات در اشکال گوناگون - اعم از مکتوب و غیرمکتوب - و تجزیه و تحلیل، ارزیابی و انتقال آن است.

در این زمینه، «مدرسه فردا» با خانم دکتر فائقه محمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، به گفت‌وگو نشسته است. در این گفت‌وگو ایشان براساس پژوهش خود در مدارس هوشمند به سوالات ما درباره سواد رسانه‌ای پاسخ داده‌اند.

● منظور از منابع اطلاعاتی وب چیست؟

○ بنابر تحقیقی که من انجام داده‌ام، منابع اطلاعاتی وب آن دسته از منابع آموزشی هستند که به‌صورت برخط (آنلاین) روی وبگاه‌ها و وبلاگ‌های آموزشی فارسی موجودند. من کیفیت

انگیزه معلمان برای استفاده، چالش‌های موجود بر سر راه استفاده و راهکارهای رفع چالش‌ها در ارتباط با منابع آموزشی وب فارسی بود.

یکی از دانش‌آموزان می‌گفت: من سراغ هر سایتی نمی‌روم و به همه مطالب نوشته شده اعتماد نمی‌کنم. معمولاً اسم نویسنده را نگاه می‌کنم و برایم مهم است که شناخته شده باشد. بعد به سراغ سایت‌هایی می‌روم که مربوط به سازمان‌های معتبر هستند؛ مثل آموزش و پرورش یا سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش یا وزارت علوم. درجه علمی نویسنده هم برایم اهمیت دارد

● **روش شما برای ورود به این عرصه چه بود؟**

○ من برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه گروهی و فردی استفاده کردم. در مرحله اول با تعدادی از معلمان شیمی، فیزیک، ریاضی، زیست‌شناسی و ادبیات فارسی مصاحبه گروهی انجام دادم. در مرحله بعد، سعی کردم در طول چندین جلسه با هر یک از معلمان نظرات فردی آنان را در زمینه کیفیت منابع اطلاعاتی وب و استفاده از این منابع در امر تدریس بسنجم. همه معلمان معتقد بودند نسل جدید، نسل شبکه هستند. افراد این نسل علاقه زیادی دارند که از منابع و سرویس‌های تحت وب مثل فیس‌بوک و وبلاگ‌های کلاسی و شخصی، چه در فعالیت‌های کلاسی و چه در برقراری

ارتباط با دوستان و معلمانشان، استفاده کنند.

در گفت‌وگو با دبیران مدارس هوشمند، متوجه شدم آن‌ها وبلاگ‌های کلاسی دارند که دانش‌آموزان دست‌نوشته‌های خود یا اگر اهل شعر و ادب باشند شعرشان را در آنجا می‌گذارند. بعد دوستانشان برایشان کامنت می‌گذارند. به این ترتیب، مطالب را اصلاح هم می‌کنند و دوباره مطالب جدیدتر مورد درخواست دوستانشان را می‌گذارند. همه این کارها باعث تشویق در یادگیری می‌شود. یادگیری را توسعه می‌دهد و این می‌شود آموزش همراه با سرگرمی و لذت.

جامعه آماری من در وهله اول معلمان بودند، ولی نظر دانش‌آموزان را هم به‌عنوان مکمل و یک منبع اطلاعاتی اضافه‌تر سنجمیدم. در بعضی موارد، در زمینه استفاده از وب در آموزش دانش‌آموزان به مواردی که معلمان ضمن مصاحبه نگفته بودند، یا فراموش کرده بودند یا اصلاً برایشان مهم نبود، تأکید و اطلاعات جالبی را ارائه می‌کردند. در مدارس هوشمند، یکی از وظایف معلمان این است که محتوا تولید کنند. در تحقیق من، هر کدام از معلمانی که تولید محتوا می‌کردند، یک دستیار از بین دانش‌آموزان فعال داشتند که به آن‌ها کمک می‌کرد.

دانش‌آموزان دستیار با راهنمایی معلمشان کار جست‌وجو و بازیابی اطلاعات از وب را انجام می‌دادند. مثلاً معلم شیمی اطلاعات مورد نیاز درباره یک ماده شیمیایی خاص یا انجام یک آزمایش را در قالب توضیحات کلی به دستیارانش می‌داد و از آن‌ها می‌خواست که منابع مرتبط در این زمینه، اعم از متن، تصویر و ویدیو را از وبگاه‌های متفاوت جمع‌آوری کنند.

از جمله سؤالاتم این بود که بیشتر به سراغ کدام سایت‌ها می‌روید؟ چه‌طور

به منابع سایت‌ها اعتماد می‌کنید، و چه‌طور اعتبار منابع را ارزیابی می‌کنید؟ ممکن است مطالب دو سایت را بخوانید و ببینید در مورد یک موضوع واحد ضدونقیض نوشته‌اند؟

● **به چه نتیجه‌ای رسیدید؟ معلمان درباره کیفیت منابع وبگاه‌ها و نحوه اعتماد کردن به آن‌ها چه می‌گفتند؟**

○ به این نتیجه رسیدیم که معلمان در کل برای اعتماد به صحت اطلاعات مدارس را ملاک قرار می‌دهند. یاد می‌آید یکی از معلم‌ها در مصاحبه می‌گفت: بیشتر به بچه‌ها توصیه می‌کنم که به مطالب کتاب‌های چاپی و درسی اعتماد کنند تا منابع وب و برخط. وقتی علت را پرسیدم، ایشان گفت: سؤالات کنکور بیشتر از کتاب‌های درسی طرح می‌شوند و ما مجبوریم به بچه‌ها بگوییم کتاب‌های درسی را ملاک قرار دهند و به مطالب مندرج در کتاب‌های درسی تکیه کنند تا نمره بیاورند و موفق شوند سد کنکور را رد کنند. یکی دیگر از معلمان معتقد بود، با اینکه ممکن است وبگاه‌های آموزشی زیادی وجود داشته باشند که اطلاعات با کیفیت ارائه دهند، ما باید به سراغ آن‌هایی برویم که با معیارهای رایج در محیط آموزشی انطباق دارند.

● **چند منبع اینترنتی فارسی را که از نظر معلمان بیشتر قابل اعتماد هستند، معرفی بفرمایید.**

○ مثلاً سایت تبیان، سایت رشد یا سایت انجمن ریاضی‌دانان جوان. این سایت‌ها مورد اعتماد کاربران، یعنی معلم‌ها، هستند؛ چون به سازمان‌های معتبر تعلق دارند و مطالب علمی با کیفیت ارائه می‌کنند.

معلمان بیشتر وبگاه‌ها و وبلاگ‌هایی را برای استفاده ترجیح می‌دهند و به

دانش‌آموزانشان توصیه می‌کنند که مورد تأیید محیط‌های آموزشی باشند. این معیارها باید با باورهای اجتماعی و اخلاقی جامعه و محیط انطباق داشته باشند.

در یک جمع‌بندی می‌توانم بگویم: مشکلاتی که معلمان در زمینه استفاده از منابع وب برای تدریس در کلاس داشتند، این بود که مثلاً می‌گفتند در حین کار با وبگاه‌ها یا وبلاگ‌های آموزشی در کلاس، یکدفعه صفحات تبلیغاتی بی‌ربط باز می‌شوند که تمرکز دانش‌آموزان را بهم می‌زنند و کیفیت منابع آموزشی را زیر سؤال می‌برند. انتقاد می‌کردند که چرا این وبگاه‌ها فقط منابع اطلاعاتی را روی سایت نمی‌گذارند و چرا اطلاعات علمی را با مطالب تبلیغاتی نامربوط درهم می‌آمیزند.

این‌گونه سایت‌ها از دید ما قابل اعتماد نیستند. ما دوست داریم سایت‌هایی که مطالب علمی و آموزشی ارائه می‌دهند، فقط روی مطالب مرتبط و علمی تمرکز کنند.

وقتی پرسیدم به‌نظر شما چه باید کرد، گفتند: تفکر انتقادی را به بچه‌ها آموزش بدهیم تا به سراغ حاشیه و جزئیات نروند.

یکی از مشکلاتی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند، مشکل دسترسی به وبگاه‌های آموزشی فارسی است. می‌گفتند: وقتی موقع ورود به این‌گونه سایت‌ها، از شما نام کاربری و رمز عبور می‌خواهد و این برای معلمان جالب نیست؛

● برای ارتقا کیفیت، آیا به سواد رسانه‌ای نیاز داریم؟

○ مطمئناً همین‌طور است. سواد رسانه‌ای به افراد کمک می‌کند از یک رسانه برای رفع نیاز اطلاعاتی خود استفاده کنند و اطلاعات موجود در وب

را نخست ارزیابی و سپس از آن استفاده کنند.

یکی از معلمان می‌گفت: به ما می‌گویند محتوا تولید کنید و برای تولید محتوا یک سلسله کارگاه آموزشی برایمان تدارک می‌بینند. در این کارگاه‌ها، ما چیزهای دست و پا شکسته‌ای یاد می‌گیریم که کافی نیستند. مثلاً نحوه استفاده از نرم‌افزار فلش را آن‌قدر ناقص به ما آموزش دادند که عملاً کارایی ندارد.

یکی از سؤالات پژوهشی من این بود که چرا معلمان انگیزه پیدا می‌کنند که از منابع وب استفاده کنند و چرا به سراغ وب می‌روند. در جواب می‌گفتند ما در مدارس مشکل داریم. برای تولید محتوا، نه نرم‌افزارها را خوب به ما یاد می‌دهند، نه خود ما وقت کافی داریم که یاد بگیریم. یکی از مواردی که باعث می‌شود ما از منابع آماده اینترنتی بیشتر استفاده کنیم، این است که چون مهارت کافی نداریم، منابع آماده را «کپی پیست» می‌کنیم. وقتی مطلب آماده‌ای را دم‌دست داریم و از آن استفاده می‌کنیم، در وقت و انرژی‌مان صرفه‌جویی می‌شود.

یکی از مسئولیت‌های دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌تواند این باشد که با ایجاد امکانات لازم، سواد رسانه‌ای معلمان را بالا ببرند تا خودشان توانایی تولید و ارزیابی منابع وب و استفاده از آن‌ها را به‌دست آورند یا اینکه فضای فراهم بیاورند تا متخصصان محیط‌های مجازی بتوانند در این فضا با همکاری معلمان منابع آموزشی باکیفیت تولید کنند.

● برای ترویج سواد رسانه‌ای چه پیشنهادی برای مسئولان و معلمان دارید؟

یکی از معلمان در این مورد می‌گفت که ما مهندس رایانه نیستیم. وقتی داریم با رایانه کار می‌کنیم، به مشکلات

فنی برمی‌خوریم که رفع آن‌ها خیلی زمان ما را می‌گیرد. در حالی که اگر یک متخصص رایانه حضور داشته باشد، در عرض یک دقیقه آن مشکل حل می‌شود. به‌خاطر نبود متخصص، کل ساعت تدریس من بابت رفع مشکل رایانه گرفته می‌شود. راه‌حل پیشنهادی ایشان این بود که معلمان و متخصصان رایانه با هم در تعامل باشند. ایده از معلمان و کار فنی تولید محتوا به عهده متخصصان رایانه باشد.

معلمان بیشتر وبگاه‌ها و وبلاگ‌هایی را برای استفاده ترجیح می‌دهند و به دانش‌آموزانشان توصیه می‌کنند که مورد تأیید محیط‌های آموزشی باشند. این معیارها باید با باورهای اجتماعی و اخلاقی جامعه و محیط انطباق داشته باشند

پیشنهاد دیگر معلمان این بود که سطح آموزش را بالا ببرند و ضمن آموزش، وبگاه‌های معتبر را معرفی کنند یا نحوه جست‌وجو را به آن‌ها یاد بدهند. از دید متخصصان اطلاع‌رسانی، جست‌وجوی اطلاعات یک مقوله علمی است. هنگام جست‌وجو ریزش کاذب اطلاعات مطرح می‌شود. برای اجتناب از اطلاعات ناخواسته نیاز است که جست‌وجوگر با شیوه جست‌وجو و بازیابی اطلاعات آشنایی کافی داشته باشد.

یکی از معلمان، می‌گفت: چون روش جست‌وجو را خوب بلد نیستیم طی یک جست‌وجوی ساده با دریایی از اطلاعات ناخواسته مواجه می‌شویم. بنابراین وقت زیادی از ما گرفته می‌شود تا از بین این همه منابع، اطلاعات مورد نیاز خودمان را الک کنیم.

گول زنک (هوکس)ها

زینب گلزاری
تصویرگر: لیدا معتمد

اتفاق یا ادعا و یا ترساندن افراد باشد. هوکس‌های تاریخی، هنری و علمی ممکن است در قالب خبر متنی، تصویر تغییر یافته به کمک نرم افزارهای ویرایشی مثل فتوشاپ، صوتی و یا ویدیویی منتشر شوند. هوکس‌هایی که تأثیرپذیرند و به زودی باور می‌شوند، موضوعات روز جامعه هستند که در قالبی جدی به راحتی انتقال می‌یابند. مثلاً هم‌زمانی خوردن نوشابه و قرص نعنائی، یا شق القمر ۵ شهریور یا صفحه کلید تقلبی دستگاه خودپرداز و ...

هوکس‌های باورپذیر معمولاً لایه‌ای از واقعیت را نیز به همراه دارند و همین سبب پذیرش و گسترش آن‌ها می‌شود. تشخیص هوکس چندان پیچیده نیست و با پیگیری چند نشانه می‌توان آن را شناخت.

در این مقاله قصد داریم با معرفی راهکارهایی برای بررسی نشانه‌ها، از افتادن مخاطبان در دام هوکس‌ها تا حد امکان پیشگیری کنیم:

۱. خبر را درست و کامل بخوانید و فیلم یا تصویر را با دقت مشاهده کنید. اگر به نظرتان عجیب آمد، قبل از نقل آن برای دیگران، اقدامات زیر را انجام دهید:

منبع خبر را بررسی کنید. این مهم‌ترین و اصلی‌ترین نکته‌ای است که باید در مورد درستی یک مطلب به آن توجه داشت. اینترنت و گوگل منبع نیستند. انگلیسی بودن متن خبر نیز به معنای معتبر بودن آن نیست. نام‌هایی را که در خبر به آن‌ها استناد شده است یا لینک خبر را با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت خواهید یافت. مثلاً دکتر چراغی،

ریشه لغوی این کلمه از «Hocus pocus» به معنای «تردستی» گرفته شده است و در لغت‌نامه «اغفال»، «تقلب»، «جعل»^۱، «مکر»^۲ و «فریب‌دادن»^۳ از مترادف‌های آن شناخته شده‌اند.

انتشار اطلاعات غلط و جعل گفتار، آگاهانه و به قصد فریب یا شوخی کردن با افرادی که احتمالاً آن را باور می‌کنند، «هوکس» نامیده می‌شود

هر خبر دروغی را نمی‌توان هوکس نامید. خبری هوکس است که سازنده آن به قصد فریفتن یا شوخی کردن با دیگران به عمد و در قالب اخبار و گزارش جدی، آن را انتشار دهد. البته هوکس‌ها همیشه به صورت خبر یا متن نیستند و گاهی در قالب تصویر، صوت و یا فیلم ساخته و منتشر می‌شوند. انگیزه سازنده هوکس معمولاً مواردی چون دست انداختن دیگران، طنزنویسی انتقادی، انتقام‌گیری شخصی، سودجویی اقتصادی و تأثیر بر بازار، پرونده‌سازی و تقویت خرافات مذهبی است. با گسترش فناوری، امروزه هوکس‌ها به سادگی و در سطح وسیعی با ابزارهای ارتباطی به ویژه اینترنت، تلفن همراه و حتی رسانه‌های گروهی منتشر می‌شوند و به علت زودباوری و شتابزدگی افراد، بازار شایعات را داغ می‌کنند.

هوکس از نظر محتوا می‌تواند در مورد مسائل دینی و مذهبی، مسائل اجتماعی از جمله هشدار در مورد

به گزارش خبرنگار «تلنا»، به نقل از مجله «Top Technolog»، چندین پیش بیل‌گیتس، مؤسس شرکت «مایکروسافت»، در سخنرانی خود در کالج «کونکوردیا»^۱ به این نکته اعتراف کرد که در ساخت ویندوز از محمدبن موسی خوارزمی، ریاضی‌دان برجسته ایرانی الهام گرفته است. وی در سخنرانی خود گفت که با خواندن کتاب «پنجره ارقام» خوارزمی و مطالعه نوشته‌های او در باب منطق فازی و جبر دوگانه، ایده ساخت ویندوز در ذهنش شکل گرفت. حتی بعدها نام ویندوز xp را از کلمه «xarazmiprestige» به معنای «اعتبار خوارزمی» گرفته است.

متن این خبر، در اواخر سال ۱۳۹۲ در فضای مجازی منتشر شد؛ خبری که اهل مطالعه و پژوهش، به سرعت به شایعه بودن آن پی بردند. چرا که خوارزمی کتابی به نام «پنجره ارقام» ندارد و منطق فازی کمتر از ۵۰ سال پیش، در سال ۱۹۶۵، توسط دکتر لطفی‌زاده پایه‌گذاری شده است. آن‌هایی که ارادت خاصی به بیل‌گیتس داشتند و سخنرانی جذاب او را در کالج کونکوردیا شنیده بودند، این خبر را مضحک خواندند و گفتند که چنین صحبتی در سخنرانی وی وجود نداشته و XP مخفف «experience» است. خودتان بروید و در وبگاه مایکروسافت^۲ ببینید!

انتشار اطلاعات غلط و جعل گفتار، آگاهانه و به قصد فریب یا شوخی کردن با افرادی که احتمالاً آن را باور می‌کنند، «هوکس»^۳ نامیده می‌شود.

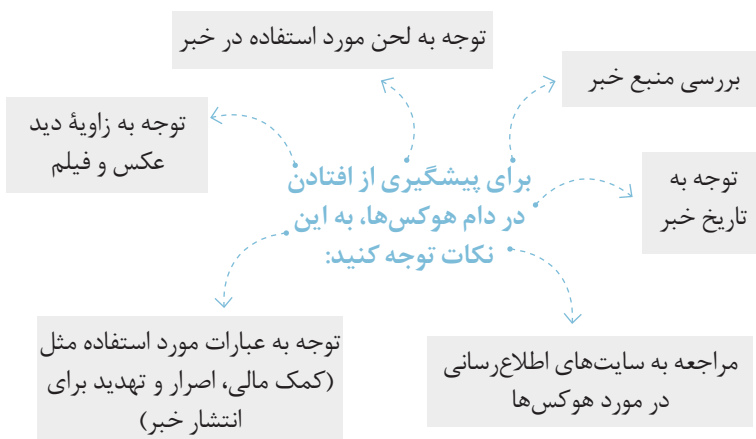


رئیس بیمارستان امام رضای کرمانشاه، درخواست اطلاع‌رسانی فوری و ... یا دکتر رنجبر، رئیس بیمارستان نمازی شیراز در مورد فلج ناگهانی...؛ با یک سرچ ساده متوجه خواهید شد که نه دکتر چراغی رئیس بیمارستان امام رضای کرمانشاه و نه دکتر رنجبر رئیس بیمارستان نمازی شیراز است.

بخشی از متن خبر یا توضیح عکس و فیلمی را که به نظر تان هیجان‌آور است، در باکس گوگل تایپ و نتیجه را بررسی کنید. وبلاک‌های ناشناس و سایت‌های بی‌نام و نشان منابع معتبری نیستند. نگاهی به آرشیو سایت نقل‌کننده خبر بیندازید و در سابقه‌اش اطلاعات اولیه را بیابید.

● به لحن به کار رفته در متن، زاویه دید در عکس و نحوه فیلم‌برداری دقت کنید. در برخی هوکس‌ها کافی است یک نگاه کوتاه به سایت نقل‌کننده خبر بیندازید تا بلافاصله متوجه شوید که با یک هوکس طرف هستید. عبارات طنزآمیز در سایت، نشانی طنزآمیز و لحن نوشتاری بیانگر غیر واقعی بودن خبر است. مثل هوکس طنزآمیزی که مدعی شده بود او با ما ایرانی است. نوشتارهای دیگر سایت، مثل «امانت‌داری و اخلاق‌نداری» و یا «این خبر بدون ذکر منبع مجاز می‌باشد، کی به کیه!» همه و همه بیانگر هوکس هستند. عکس و فیلم با کیفیت پایین نیز فرصت زیادی برای شایعه‌سازی فراهم می‌کنند.

● به تاریخ خبر توجه کنید. اعلام زمان‌های نسبی، مثل به زودی، دیروز، از هفته آینده و ... از اعتبار خبر می‌کاهد. همچنین، روزهای اول آوریل، سیزدهم نوروز و روزهای پس و پیش این تاریخ‌ها، اوج هوکس‌سازی‌اند. در این روزها به اخبار عجیب اعتماد نکنید. ● به نشانه‌ها توجه کنید. اشتباه املائی و نگارش شتاب‌زده، استفاده از عبارت «آیا می‌دانید»، تبلیغ، درخواست



کمک می‌کند تا هوشیارانه عمل کنیم. از اطلاعات و اخبار نامعتبر و دروغین فاصله بگیریم و عاملی برای انتقال آن‌ها نباشیم.

پی‌نوشت

1. concordia
2. (www.microsoft.com)
3. Hoax
4. deception
5. fraud
6. fake
7. imposture
8. humbug

کمک مالی، اصرار و تهدید برای انتشار مطلب و تحریک شدید احساسات، همه می‌توانند دلایلی برای تردید در پذیرش خبر باشند. به این نشانه‌ها توجه کنید و پیرامون خبر بیشتر تحقیق کنید.

۲. برخی از سایت‌ها به شناسایی و اطلاع‌رسانی در زمینه هوکس‌ها دست زده‌اند. اگر در زمینه خبری تردید کردید، می‌توانید از این سایت‌ها کمک بگیرید؛ مثل سایت گمانه (www.gomaneh.com) یا سایت اطلاع از آخرین هوکس‌ها.

در نهایت این شناخت و آگاهی به ما

زندگی، ارزش‌ها، آموزش

گفت‌وگو با محمد آزین

علیرضا منسوب‌بصیری

آن‌گاه نظام آموزشی ما در بهترین حالت روش یافتن پاسخ پرسش‌ها را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد، نه روش حل کردن مسئله‌ها را.

در مبانی طرح رویش هدف علوم کاربردی، حل مسئله‌های واقعی زندگی در نظر گرفته شده و با توجه به اهمیت این هدف در میان ساحت‌های تعلیم و تربیت، الگویی برای آموزش علوم و معارف توسط دانش‌آموزان به صورت یکپارچه با زندگی واقعی آن‌ها طراحی شده است. تمرکز طرح رویش بر درک آگاهانه فراروندهای فعالیت علمی «مسئله‌محور» توسط خود دانش‌آموزان است. نقش مربیان این طرح، کمک به دانش‌آموزان برای کشف عمیق‌تر این فراروندهاست.

در فرایند اجرای طرح رویش، ابتدا دغدغه دانش‌آموزان نسبت به مسائل روزمره که در زندگی

خودشان وجود دارد، برانگیخته می‌شود. مسائلی که دانش‌آموزان ضمن برخورد روزانه با آن‌ها، معمولاً به توانمندی خود برای حل آن‌ها باور ندارند و همواره منتظر هستند تا دیگران، مثل پدر و

شود. در این طرح، آموزش به فرایندی برای حل مسئله‌های واقعی زندگی که انگیزه حل آن‌ها از ارزش‌های اساسی الهی برآمده‌اند، تبدیل می‌شود.

اولین هدف علوم کاربردی، مانند علوم تجربی و بخش قابل توجهی از علوم انسانی، حل مسائل زندگی بشر است. توسعه این علوم بر محور نیازهای انسان و به منظور پاسخ به مسئله‌های او شکل گرفته است. یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که دانش‌آموزان باید در فرایند آموزشی فراگیرند، مهارت دیدن، شناسایی، و حل مسئله است. این در حالی است که در نظام آموزشی ما و البته بسیاری از نظام‌های آموزشی دیگر، عموماً ذهن دانش‌آموزان با راه‌حل مسئله‌هایی که قبلاً حل شده‌اند، پر می‌شود؛ بدون اینکه هدایتی به سمت کشف فراروندهای حاکم بر مسیر تولید آن علم اتفاق بیفتد.

اگر مسئله را موقعیتی بدانیم که در آن موانعی در راه دستیابی به اهداف مطلوب وجود دارد و هنوز راه‌حل موفقی برای آن پیشنهاد نشده است، و پرسش را تلاشی بدانیم برای بازپایی راه‌حل یک مسئله قبلاً حل شده و دستیابی به اطلاعات قبلاً تولید شده،

اشاره

محمد آزین را قبل‌تر به‌عنوان معلمی پیشرو در استفاده از فناوری در آموزش معرفی کرده بودیم. او اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت است. یکی از نوآوری‌هایش طرحی بود به نام «رویش» که رویکردی متفاوت به مقوله پژوهش دانش‌آموزی داشت و از طریق یک شبکه اینترنتی در مدرسه‌ای - که آن سال مشاور و معلم آن بود - به اجرا درآمد. به سراغ ایشان رفتیم تا «طرح رویش» را بازخوانی کنیم و رویکرد ایشان را در طرح مسائل پژوهشی زیر ذره‌بین ببریم.

● در گفت‌وگویی که سال گذشته با شما داشتیم، گفتید که دانش‌آموزان را هدایت می‌کردید تا مسائل اطراف خودشان را به‌عنوان موضوع پژوهشی طرح کنند. در این مورد کمی بیشتر توضیح دهید.

○ یکی از خلأهای موجود در نظام آموزشی ما فاصله جدی سه مقوله زندگی، ارزش‌ها، و آموزش دانش‌آموز است. دانش‌آموز زندگی خودش را می‌کند، ارزش‌ها به زندگی او جهت نمی‌دهند و آموزش هم کار خودش را می‌کند! هیچ کدام از این مقولات تقریباً ارتباط مشخصی با دو مقوله دیگر در نظام آموزشی ما ندارند.

طرح رویش به دنبال حل این مشکل الگویی را پیشنهاد می‌دهد که در آن یکپارچگی ذاتی این سه مقوله حفظ

مادر، مسئولان مدرسه، و مسئولان دولتی آن‌ها را حل کنند. پس ابتدا در ذهن دانش‌آموزان نسبت به مسئله‌های ساده و حل‌نشده روزمره زندگی‌شان دغدغه ایجاد می‌شود و سپس امکان حل آن مسئله‌ها توسط خودشان مورد پرسش قرار می‌گیرد. در مراحل آغازین طرح رویش، دانش‌آموزان در چنین موقعیتی قرار می‌گیرند.

در طرح رویش از شیوه‌های تفکر واگرا و هم‌گرا به صورت متناوب استفاده می‌شود. دانش‌آموزان در قالب گروهی، فهرستی از مسائل نزدیک به خودشان را می‌نویسند و سپس این مسائل را اولویت‌بندی می‌کنند. اولویت‌بندی براساس معیارهایی چون نزدیک بودن مسئله به دانش‌آموزان، ارزشمند بودن، عمومیت داشتن، و قابل حل و قابل اجرا بودن انجام می‌شود. در پایان این مرحله، هر گروه از دانش‌آموزان یک مسئله را برای حل انتخاب می‌کند.

● ساختار سایتی را که راه‌اندازی کرده بودید، توضیح دهید و بگویید چه‌طور در سایت ایده بچه‌ها مطرح می‌شد و معلمان آن را ارزیابی می‌کردند و بازخورد می‌دادند؟

○ طرح رویش را می‌توان به صورت اینترنتی هم اجرا کرد. در این روش اجرای تمام فرایندهای انتخاب و حل مسئله روی وبگاه رویش انجام می‌شود. پس از ثبت‌نام دانش‌آموزان در وبگاه، کاربرگ‌های طرح رویش در قالب یک جریان کار مشخص در اختیارشان قرار می‌گیرد. در مراحل خاصی از روند کار، دانش‌آموزان می‌توانند در مورد مستندات یکدیگر نظر بدهند و برای تکمیل کارها به هم کمک کنند. دانش‌آموزان پس از تکمیل هر مرحله از جریان کار، درخواست می‌دهند تا مستنداتشان توسط مربی بازبینی شود. مربی نیز پس از بازبینی و دادن امتیاز بخش مربوطه، نکات لازم را برای دانش‌آموز به صورت

یادداشت ثبت می‌کند.

در اجرای اینترنتی طرح رویش در «مدرسه راهنمایی علامه حلی ۱ تهران»، دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی در مجموع حدود ۱۳۰۰ مسئله روی وبگاه ثبت کردند که تحلیل موضوعات مسئله‌ها نشان می‌داد بخش عمده‌ای از مسائل دانش‌آموزان با علوم انسانی مرتبط هستند.

● در طرح شما که نام «رویش» را بر آن گذاشته‌اید، نقش مربی و معلم دقیقاً چیست؟

○ یکی از اهداف مهم طرح رویش، طی کردن مسیر انجام یک پروژه توسط دانش‌آموزان از ابتدا تا انتها همراه با داشتن توجه ضمنی به معیارهایی چون نزدیک بودن مسئله به دانش‌آموز، ارزشمند بودن مسئله، داشتن نگاه جامع، و توجه به توانایی‌های اجرایی گروه است. دانش‌آموز است که این روند را درک می‌کند، آن را طی می‌کند، و از مسیر

طی شده خود بازخورد می‌گیرد. در این میان، نقش مربی کمک به دانش‌آموز برای کشف معیارها و چارچوب‌های طرح رویش است. در واقع، مربی نه دانش‌آموز را در فضایی کاملاً بسته و در

در فرایند اجرای طرح رویش، ابتدا دغدغه دانش‌آموزان نسبت به مسائل روزمره که در زندگی خودشان وجود دارد، برانگیخته می‌شود؛ مسائلی که دانش‌آموزان ضمن برخورد روزانه با آن‌ها، معمولاً به توانمندی خود برای حل آن‌ها باور ندارند و همواره منتظر هستند تا دیگران، مثل پدر و مادر، مسئولان مدرسه، و مسئولان دولتی آن‌ها را حل کنند





معرض تصمیمات ناآگاهانه قرار می‌دهد و نه او را در معرض تجربه کاملاً آزاد می‌گذارد. مربی به دانش آموز کمک می‌کند تا مسیر طرح رویش را همراه با پرسه زدن در حاشیه راه بهتر طی کند.

● تجربه خودتان را از اجرای این طرح به صورت تحت وب و با استفاده از ابزار فابوا چه طور ارزیابی می‌کنید؟

○ اجرای طرح رویش مبتنی بر بستر وب، تجربه کم نظیری بود. فضای وب به مربیان کمک کرد این حجم بالا از داده را- در مرحله اول مربوط به بیش از هزار مسئله می‌شد- بسیار سریع و با دقت بالا تحلیل کنند. از طرف دیگر، ارتباط مربیان و دانش آموزان روی سایت رویش، تجربه موفق برای ارتقای سطح تعریف مسئله‌های دانش آموزان بود. از نقاط قوت این تجربه، کمک مستقیم و غیرمستقیم دانش آموزان به یکدیگر در راستای ارتقای سطح کارشان بود.

طرح رویش را می‌توان به صورت اینترنتی هم اجرا کرد. در این روش اجرای تمام فرایندهای انتخاب و حل مسئله روی وبگاه رویش انجام می‌شود. پس از ثبت نام دانش آموزان در وبگاه، کاربرگ‌های طرح رویش در قالب یک جریان کار مشخص در اختیارشان قرار می‌گیرد

به طور مستقیم، نظرانی که دانش آموزان در مورد مسئله‌ها می‌نوشتند، به اصلاح و بهینه‌سازی تعریف مسئله‌ها کمک شایانی کرد و به طور غیرمستقیم، دانش آموزان با مشاهده تعریف مسئله‌های خوب که گاه مربیان هم آن‌ها را تشویق و تمجید کرده بودند،

در مسئله‌های دانش آموزان است. یعنی دایره‌های بزرگ‌تر، میزان ارجاع بیشتری را به مسئله‌ها داشته‌اند. نزدیکی و دوری مکانی دایره‌های موضوعات نشان‌دهنده میزان واقعی هم‌بستگی آن‌ها در مسئله‌های طرح شده است. هرچه دایره‌ها به هم نزدیک‌تر باشند، نشانه این است که موضوعات متناظرشان هم در فضای ذهنی طرح مسئله توسط دانش آموزان به یکدیگر نزدیک بوده است. در روند اجرای طرح رویش، دانش آموزان تلاش می‌کنند مسئله را از ابعاد مختلف ببینند و تحلیل کنند. این رویکرد به دانش آموزان کمک می‌کند که جهان هستی را جهانی یکپارچه ببینند و بتوانند ضمن پیدا کردن این یکپارچگی در درون خود، برنامه‌ها، رفتارها و آموزش‌های روزانه خود و با یکپارچگی درونی خود را با یکپارچگی بیرونی عالم تطبیق دهند. شکل صفحه قبل نمونه‌ای از خروجی یکی از مراحل طرح رویش را نمایش می‌دهد که دانش آموزان در آن، با بهره‌گیری از روش تفکر واگرا، تلاش کرده‌اند همه پیامدهای مسئله مورد نظرشان را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار دهند. این توجه به جامع‌نگری، حتی در مرحله حل مسئله هم مورد توجه دانش آموزان قرار خواهد داشت.

کیفیت کار خود را بالاتر می‌بردند. البته این تجربه یک نقطه ضعف هم داشت که در نهایت باعث شد قسمتی از طرح به سختی اجرا شود. مسئله‌ای که در مدرسه محل اجرای طرح رویش وجود داشت، دسترسی حدود ۸۰ درصد دانش آموزان و دسترسی نداشتن ۲۰ درصد دیگر به اینترنت بود. این موقعیت باعث رشد چشمگیر کیفیت کار گروهی که به اینترنت دسترسی داشتند، و عقب‌ماندگی گروه دیگر شد. تدبیری که برای ادامه کار اتخاذ کردیم، برگزاری بخشی از طرح رویش به صورت کاغذی بود که به یاری خدا اخلاقی در برنامه زمان‌بندی طرح ایجاد نکرد. یکی از تحلیل‌هایی که روی کارهای دانش آموزان انجام گرفت، تحلیل هم‌بستگی موضوعی مسئله‌های مطرح شده بود. همه مسئله‌ها و موضوعاتی که هر مسئله به آن‌ها مرتبط بود، با الگوریتم‌های رایانه‌ای و شبیه‌سازی فیزیکی خوشه‌بندی و جایابی شدند. نمونه خروجی این تحلیل را در شکل بالا مشاهده می‌کنید. در این تصویر، نقاط ریز نشانگر مسئله‌های دانش آموزان هستند و بیش از ۱۳۰۰ مسئله را نمایش می‌دهند. دایره‌های بزرگ‌تر نشان‌دهنده موضوعات مرتبط با مسئله‌ها هستند. اندازه هر دایره نشان‌دهنده میزان ارجاع به آن موضوع

نوشتن سخت ولی نغز است^۱

محمد عطاران

تصویرگر: سید میثم موسوی

اشاره

پژوهش از همان آغاز مستلزم نوشتن است؛ چه در مرحله نوشتن مسئله و گردآوری اطلاعات و چه به هنگام ارائه آن. بی‌شک بدون داشتن مهارت نوشتن نمی‌توان پژوهشگر خوبی بود. در این نوشته که در واقع گفتار مکتوب است، به اهمیت نوشتن و پیامدهای آن اشاره شده است.

می‌خواهم درباره نوشتن صحبت کنم. مهارتی که نه فقط دانشجویان مجازی، بلکه همه دانشجویان و دانش‌پژوهان باید با آن آشنا شوند. شاید به دلایلی که عرض خواهم کرد، در حوزه مجازی بیش از حوزه‌های حضوری و سنتی، ابزارهای دیجیتالی فرصت نوشتن را فراهم کرده‌اند. ما باید بتوانیم بهتر بنویسیم و آسان‌تر، بهتر و راحت‌تر فرصت‌های نوشتن برای خودمان ایجاد کنیم. نمی‌دانم دوستان در عرصه نویسندگی و نگارش کار کرده‌اند و مهارت دارند یا خیر؟ ولی به تعبیر بعضی از متفکران، ما با نوشتن در واقع انسان بودنمان را تأیید می‌کنیم. گذشتگان ما گفته‌اند که ما با فکر کردن از حیوانات متمایز می‌شویم. ولی این فکر تا صورت عینی به خود نگیرد و نگاشته نشود، نشان نمی‌دهد که ما اهل فکر کردن و اندیشه‌ورزی هستیم یا نیستیم.

مونتینی از فیلسوفان قرن شانزدهم و جزو اولین «جستارنویسان»^۲ اروپاست که اهمیت نوشتن را عنوان کرد. او جستارنویسی را به‌عنوان مقوله‌ای جدی در اندیشه و تفکر وارد کرد. مونتینی در کتابی به نام «تأملات» می‌گوید که ما قرن‌های متمادی است که پی‌درپی حرف‌ها و نوشته‌های ارسطو را شرح می‌کنیم و می‌گوییم که او درباره خشم چه گفته یا درباره هیجان چه بیان کرده است. اگر یک‌بار از صبح تا شب فکر کنیم که وقتی خشمگین شدیم چه اتفاقی افتاد، نیازی به ارسطو نداریم و باید تجربه هیجانی خودمان را بنویسیم. اگر بنویسیم، می‌بینیم که خودمان هم یک پا ارسطو هستیم و نیازی به این نداریم که حرف‌های دیگران را بازخوانی، بازگویی و بازنویسی کنیم.

به نظر من، نوشتن به تجربه‌های پراکنده ما نظم می‌بخشد و امکان خلق کردن برای ما ایجاد می‌کند؛ به‌خصوص اگر از سنخ تجربه‌های زیسته باشد. من به‌طور جدی این تجربه

را در طول هفت هشت سال اخیر داشته‌ام. امر نوشتن به مقوله اساسی زندگی‌ام تبدیل شده است. این موضوع از زمانی شروع شد که به وبلاگ‌نویسی پرداختم.

من در حوزه آموزش عالی یا حداقل در علوم انسانی از معدود آدم‌هایی بودم که به ذهنم رسید در زمینه وبلاگ‌نویسی نوعی تجربه خاص داشته باشم. اوایل بیشتر ترجمه می‌کردم. خبرهایی را که به دستم می‌رسید، می‌نوشتم. بعد کم‌کم

خودم شروع کردم به اظهارنظر درباره ترجمه‌هایی که می‌کردم و از کسانی که با من تعامل داشتند، بازخورد آمد. نوشتن به تعبیر برخی مردم‌شناسان یک «کنش اجتماعی» است، نه فردی. من این را احساس نمی‌کردم تا زمانی که بازخورد نوشتن خود را تجربه کردم.

ظهور وبلاگ‌ها- هرچند که به دست یک دانش‌آموز یا دانشجو نوشته شوند- نشانه مثبتی است از اینکه از دوره سنتی به دوره مدرن حرکت می‌کنیم که شاخص‌های متفاوتی دارد. یکی اینکه ما را از قلمرو شفاهی به عالم

مکتوب هدایت یا منتقل می‌کند. دیگر اینکه ما را از جمع‌گرایی به فردگرایی می‌برد. ما هر قدر مدرن‌تر شویم، هم از حالت‌های شفاهی دور خواهیم شد هم از حالت‌های جمع‌گرایی که تمایز و تشخص ما در آن چندان روشن و مشخص نیست. البته نوشتن یک مهارت علمی و اکتسابی است. آن‌ها که

نوشتن به تجربه‌های پراکنده ما نظم می‌بخشد و امکان خلق کردن برای ما ایجاد می‌کند؛ به‌خصوص اگر از سنخ تجربه‌های زیسته باشد



در فضای مجازی این امکان و مجال هست که دوستان دانشجوی ما به مهارت نوشتن، که مهارت بسیار مهمی است، دست یابند

تاکنون نوشتن را آغاز نکرده‌اند، فکر می‌کنند که خیلی رنج دارد. کسانی که تا حالا ننوشته‌اند، فکر می‌کنند نوشتن کار پیچیده و سختی است. قدیم‌ها این‌طور بود که هر کس بلد بود انشا بنویسد، آدم خیلی شاخصی در خانواده محسوب می‌شد و همیشه محل رجوع بود برای انشانویسی. الان هم که من به دانشجویان می‌گویم بنویسید، گاهی می‌بینم چیزهای کلی نوشته‌اند که همه‌جا به کار گرفته می‌شوند و آخرش هم هیچ ربطی به مسئله ندارند.

نوشتن مهارتی عملی است. البته اولش سخت است. برای من خیلی سخت بود که بنویسم و ساده بنویسم. به قول مردم‌شناسان، از ایده‌ها نباید شروع کرد بلکه از اشیا باید شروع کرد. از صبح تا بعدازظهر بر ما چه گذشت؟

من فکر می‌کنم در فضای مجازی این امکان و مجال هست که دوستان دانشجوی ما به مهارت نوشتن، که مهارت بسیار مهمی است، دست یابند. یکی از دوستان ما در تحقیق

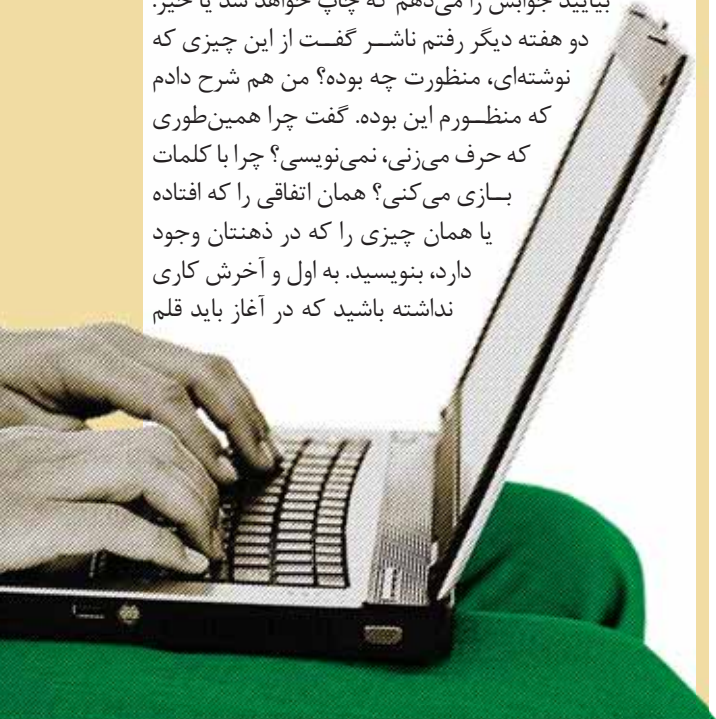
خود دانشجویان پیام نور و دانشجویان دانشگاه‌های حضوری را از نظر تسلط بر نوشتن مقایسه کرده و نتیجه خیلی جالبی گرفته بود. در دانشگاه‌های پیام نور، نوع ارزیابی‌ها تستی است یا چندگزینه‌ای و به‌صورت استاندارد. همه‌جا به این صورت اجرا می‌شود. تکلیفی مبتنی نگارش و تولید اندیشه وجود ندارد. لذا در مقایسه، دانشجویان پیام نور مهارتشان بسیار کمتر است. در دانشگاه‌های سنتی به‌هر حال ممکن است استاد گاهی بگوید که مقاله‌ای بنویسید اما در دانشگاه پیام نور، نوع ارزیابی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. ظن و گمان ما این است که دانشجویان دانشگاه مجازی فرصت بیشتری برای بسط مهارت‌های نوشتن دارند که به‌شدت برای تولید اندیشه و ایده به آن نیازمندیم.

چند سال پیش با خانمی در نشریه «رشد مدرسه فردا» مصاحبه کردیم. این خانم هم‌زمان در تهران کارشناسی فیزیک و در دانشگاهی مجازی در استرالیا، کارشناسی ارشد نجوم را می‌خواند. ایشان می‌گفت در آن دانشگاه مجازی، ارتباطات درسی به هیچ‌وجه حضوری نبود. تمام پروژه‌ها و ارزیابی‌ها در شکل جستار یا پروژه انجام می‌شدند و هیچ امتحان هم‌زمان و یکسانی هم وجود نداشت. می‌گفت با اینکه هیچ فردی را نمی‌بینم ولی آن قدر به تحصیل در این دانشگاه علاقه‌مند شده‌ام که از شدت هیجان پایم را بر موکت روی زمین می‌کوبم. موکت زیر رایانه من از بس پا کوبیده‌ام صاف شده است. لحظات هیجان‌انگیز فراوانی داشتم. وقتی مقاله‌ای تحلیلی نوشتیم و استاد برای دیگران نوشت که «تحلیل را از لایلا یاد بگیرید».

فضای مجازی امکان نوشتن و لذت بردن از آن را می‌دهد؛ لذتی که کمتر در دانشگاه‌های حضوری تجربه می‌کنیم. چند وقت پیش با یکی از دانشجویان دکترا مقاله‌ای می‌نوشتیم و من داشتم آخرین اصلاحات را انجام می‌دادم. شش‌ونیم صبح شروع کردم به نوشتن و خواندن. ویرایش چندم آن بود که انجام می‌شد. ساعت ۱۲ که تمام شد، حس بسیار خوشایندی به من دست داده بود؛ گویی فرزندی به دنیا آمده است. پس از این همه تلاش، پذیرفتن حضور او را در صحنه هستی می‌دیدم. هیچ‌وقت خواندن جای نوشتن را نمی‌گیرد. شاید شما خیلی فکر کنید ولی تا وقتی که آن‌ها را ننویسید، جمع نمی‌شوند. بعضی‌ها می‌گویند هنوز عقل ما کامل نشده است و اطلاعات کافی نداریم تا بنویسیم؛ در حالی که اطلاعات ضمن نوشتن خلق می‌شود.

از مونتینی نقل کنم. او معتقد است که نوشته نباید قلمبه و سلمبه باشد. او اتفاقات ساده زندگی‌اش را نوشته است. مثل اینکه من کاهو دوست دارم ولی کلم دوست ندارم. شاید زیاد قشنگ نباشد که این چیزها را بشنویم، ولی او معتقد بود باید سدهای نوشتن را بشکنیم. فکر نکنیم که نوشته حتماً باید قواعد یا قالب خاصی داشته باشد. شما وقتی شروع می‌کنید، راهش را پیدا خواهید کرد.

مرحوم دکتر محمود بهزاد، استاد درس روان‌شناسی فیزیولوژیک بنده در دانشگاه تهران که هنگام تدریس خیس عرق می‌شد از بس هیجان داشت، می‌گفت یک‌بار کتابی را که نوشته بودم، پیش ناشری بردم. ناشر گفت دو هفته دیگر بیایید جوابش را می‌دهم که چاپ خواهد شد یا خیر. دو هفته دیگر رفتم ناشر گفتم از این چیزی که نوشته‌ای، منظورت چه بوده؟ من هم شرح دادم که منظورم این بوده. گفت چرا همین‌طوری که حرف می‌زنی، نمی‌نویسی؟ چرا با کلمات بازی می‌کنی؟ همان اتفاقی را که افتاده یا همان چیزی را که در ذهنتان وجود دارد، بنویسید. به اول و آخرش کاری نداشته باشید که در آغاز باید قلم



این گونه یا آن گونه باشد.

نوشتن را باید شروع کنیم و هیچ وقت تصور نکنیم باید کامل شویم و سپس بنویسیم. نباید به فکر کامل شدن عقلی مان باشیم. به فکر اینکه حتماً باید درباره ایده‌ها بنویسیم، نباشیم. از همین تجربه‌های ساده شروع کنیم. وقتی شروع می‌کنید به نوشتن، لذت آن را کشف می‌کنید. اگر وبلاگی هم داشته باشید و نوشته‌هایتان را در آن بیاورید و چند نفر آن را خوانند و به شما بازخورد بدهند، هیجان‌ات بازخورد را تجربه می‌کنید و ترغیب می‌شوید بیشتر بنویسید.

نکته بعدی این است که در فضای مجازی، ما نیاز جدی به نوشتن داریم. نباید «بردار و بچسب»^۳ کنیم. کپی پیست کردن در این فضا کاری بی‌معنی است. اگر دانشجویی باشید که باید پروژه‌هایتان را تحلیل کنید، این تکلیف‌ها مستلزم نوشتن است. از چسباندن تکه‌های کتاب‌ها چیزی عاید نمی‌شود و چیزی یاد نمی‌گیریم.

اما آنچه در دنیای دیجیتال کار ما را برای نوشتن راحت می‌کند، تایپ کردن است. شما تایپ کردن را باید به‌عنوان کاری جدی یاد بگیرید؛ کاری که نوشتن شما را ساده می‌کند. در سال‌های دور یادم هست که واژه‌پردازی مثل «Word» نبود. من وقتی فصل اول پایان‌نامه‌ام را با خودکار نوشتم و نزد استاد راهنمایم بردم، اولین چیزی که به من گفت این بود که با مداد بنویس تا وقتی لازم باشد اصلاح کنی، بتوانی پاک کنی. وقتی با خودکار می‌نویسی، باید بازنویسی کنی.

الان که من شرایط آن زمان را با فرصتی که تایپ کردن در اختیار ما قرار داده است مقایسه می‌کنم، می‌بینم فرصت بسیار مغتنمی است. توصیه می‌کنم مهارت تایپ کردن را یاد بگیرید. خواهید دید که نوشتن آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود. من در سال ۱۹۹۰ در استرالیا بودم. استادمان مقالات را تایپ شده می‌خواست. یک روز از محله‌ای در سیدنی رد می‌شدم، دیدم پشت شیشه مغازه‌ای نوشته است، دو دیسکت ۸۰ دلار برای آموزش تایپ. آن را خریدم. دو فلاپی دیسک هم بیشتر نبود. آمدم و حدود یک ماه روزی پنج ساعت وقت گذاشتم. هر روز تمرین می‌کردم تا ماهی که برای خودم برنامه‌ریزی کرده بودم، توانستم خیلی راحت به‌عنوان یک تایپیست مسلط، انگلیسی را تایپ کنم. الان من هم انگلیسی و هم فارسی را تایپ می‌کنم و اصلاً قلم استفاده نمی‌کنم. لپ‌تاپم همیشه همراهم است هرچه بخوام تایپ می‌کنم. هرچه از دانشجو می‌خواهم، تایپ‌شده می‌خواهم و این الزامی است که برای شما در فضای مجازی به‌وجود آمده است. لذا تایپ کردن را یاد بگیرید.

این امکان جابه‌جا کردن کلمات را در تایپ کردن دست کم نگیرید. من دو تجربه زیسته در دو فضا داشته‌ام و این موضوع

را خوب حس می‌کنم. یکی از دوستان که تحصیل کرده‌اند لندن است و در امر نوشتن خیلی مهارت دارد، هم می‌نویسد و هم پرمحتوا می‌نویسد و نویسنده‌ای مؤثر است، می‌گفت به نظر من مهارت تسلط در تایپ به اندازه کارشناسی ارشد ارزش دارد. این حرف ممکن است از نظر شما مبالغه‌آمیز باشد

ولی اگر دستی در نوشتن داشته باشید، می‌فهمید چه امکاناتی به شما می‌دهد. قدرت دخل و تصرفی که پیدا می‌کنید، خیلی وسیع است. کسانی که در نگارش دستی دارند این موضوع را خیلی خوب متوجه می‌شوند. من بحثم را جمع می‌کنم و امیدوارم در حد تلنگری به ذهن، شما را حداقل به این فکر انداخته باشم که از امروز شروع کنید به نوشتن.

یکی از دانشجویان دکتر منصور، استاد دانشگاه تهران، می‌گفت من یک دفترچه ۶۰ برگی داشتم و آن را لوله می‌کردم و در جیبم می‌گذاشتم. وقتی در اتوبوس یا در جایی نکته‌ای به ذهنم می‌آمد، می‌نوشتم. وقتی رفتم پیش استاد کارم را تحویل دادم، گفت آنچه در دفترچه ۶۰ برگت نوشته‌ای، بیش از این

ارزش دارد. چون از قبل گفته بودم هرچه به ذهنم می‌آید، در آن می‌نویسم. سعی کنید یک وبلاگ داشته باشید. به آن به‌عنوان یک مد نگاه نکنید که حالا چون مد شده همه وبلاگ دارند، ما هم داشته باشیم. وبلاگی داشته باشید و در آن شروع کنید به نوشتن؛ ولو نوشتن خاطرات. می‌توانیم از اشیا و پدیده‌های اطراف خودمان شروع کنیم یا از محیط کارمان. من از همین‌ها شروع کردم. خیلی از مسائلی که در وبلاگم نوشته‌ام، بعداً به یک پژوهش یا مقاله تبدیل شده‌اند. این‌ها را جمع کرده‌ام و همین‌ها به من ایده داده‌اند. تجربه‌هایم برایم فقط حالت نوستالژیک ندارند. به کارگاه‌های آموزشی یا سفرهای علمی که می‌روم، تمام اتفاقاتی را که می‌افتند، مقید هستم که بنویسم. بعد این‌ها را جمع‌بندی و ارائه می‌کنم. فکر می‌کنم شما هم می‌توانید درباره تجربه‌های خود که بیش از هر مطلب دیگری برایتان ارزش دارد، بنویسید. در این صورت، در آینده ان‌شاءالله نویسنده خوبی خواهید شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. متن حاضر سخنرانی نویسنده برای یکی از دانشگاه‌های مجازی تهران است و مخاطبان دانشجویان کارشناسی ارشدند.

۲. معادل Essay

3. Cut and paste

وقتی شروع می‌کنید به نوشتن، لذت آن را کشف می‌کنید. اگر وبلاگی هم داشته باشید و نوشته‌هایتان را در آن بیاورید و چند نفر آن را بخوانند و به شما بازخورد بدهند، هیجان‌ات بازخورد را تجربه می‌کنید و ترغیب می‌شوید بیشتر بنویسید

ضرورت سواد رسانه‌ای برای معلمان

زهرة کرمی

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان همدان

آن‌ها به کتاب‌های درسی، ژرف و عمیق نیست. در یک جمله، کل کتاب را مردود می‌دانستند. در هر جلسه با این سؤال مواجه می‌شدم که چرا ما باید کتاب را تحلیل کنیم. ما که چند سال دیگر بازنشسته‌ایم، چرا باید این کار را انجام دهیم و ده‌ها سؤال مایوس‌کننده دیگر.

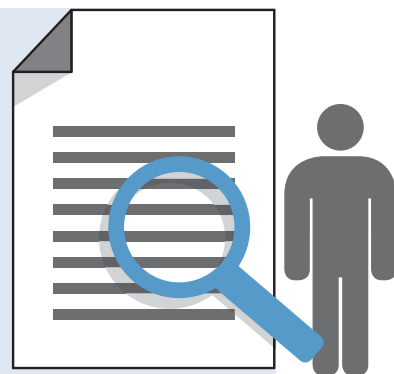
آن‌ها باید در طول یک نیم‌سال تکنیک‌های تحلیل محتوا را یاد می‌گرفتند و پژوهشی در آن زمینه انجام می‌دادند، ولی به سبب ضعف سواد رسانه‌ای، این هدف به خوبی محقق نشد. چرا که در ابتدا آن‌ها باید نسبت به موضوع دید انتقادی پیدا می‌کردند، باید به متن‌ها، تصویرها و فعالیت‌های کتاب‌ها به صورت تحلیلی و انتقادی نگاه می‌کردند، باید در اینترنت پژوهش‌های انجام شده پیرامون کتاب‌ها را مرور می‌کردند و... بنابراین در آن کلاس، ضعف معلمان در سواد رسانه‌ای مانع دستیابی کامل ما به هدف درس شد. معلمان باید تحلیل‌گران و پژوهشگران کتاب‌های درسی باشند و سواد رسانه‌ای در این زمینه مقدمات را برای انجام پژوهش فراهم می‌آورد. متأسفانه پژوهش‌های اندکی در زمینه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی وجود دارند که توسط معلمان انجام شده‌اند. شاید این مشکل نیز با ضعف سواد رسانه‌ای در ارتباط باشد. معلمان با پژوهش پیرامون تحلیل محتوای کتاب‌های درسی به راحتی می‌توانند بسیاری از ضعف‌های کتاب درسی را به مؤلفان گوشزد کنند.

یکی دیگر از ضعف‌هایی که به سواد رسانه‌ای مرتبط است و در جریان کار با معلمان بارها شاهد آن بوده‌ام، ناآشنایی بعضی از آن‌ها با طرز استفاده درست از منابع اطلاعاتی و پایگاه‌های اطلاعاتی است. اغلب آنان منابع معتبر را به درستی نمی‌شناختند و با شیوه ارجاع‌دهی ناآشنایی نداشتند. برای مثال، قرار بود پیشینه پژوهش خود را جمع‌آوری کنند. بعد از جست‌وجو در اینترنت، منابع غیرمعتبری مثل گفت‌وگوهای غیررسمی و محتوای وبلاگ‌ها را به عنوان پیشینه مورد استفاده قرار داده بودند. درس دیگری را به نام «طراحی مسائل یادگیری»، چند سالی است به معلمان تدریس می‌کنم. آن‌ها در این درس باید در پژوهش‌های «معلم‌محور» مثل اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی درگیر شوند. در اینجا هم با مسائل زیادی مواجه بودم که فکر می‌کنم همه آن‌ها به ضعف سواد رسانه‌ای معلمان برمی‌گشت. در هر صورت سعی می‌کردم با آموزش‌های جداگانه این مشکل را برطرف سازم

امروزه انفجار دانش و اطلاعات، ضرورت و اهمیت سواد رسانه‌ای را بیش از پیش آشکار کرده است. هر روزه موج عظیم دانش و اطلاعات از طریق رسانه‌های گوناگون مثل مجله، روزنامه، تلویزیون و اینترنت با سرعت بسیار زیاد به سوی ما روان می‌شود و اگر سواد

رسانه‌ای نداشته باشیم، در این موج عظیم دانش و اطلاعات غرق خواهیم شد. همه رسانه‌ها حاوی پیام‌هایی هستند و هر کدام به شکلی پیامشان را منتقل می‌کنند، ولی ما نباید تنها دریافت‌کنندگان انفعالی پیام‌های آن‌ها باشیم. اگر سواد رسانه‌ای داشته باشیم، دریافت‌کننده انفعالی پیام‌های آن‌ها نخواهیم شد. سواد رسانه‌ای به ما کمک می‌کند که با داشتن اطلاعات و آگاهی‌های لازم در زمینه پیام‌های رسانه‌ای، تحت تأثیر ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های خاص رسانه‌ای قرار نگیریم. معلم دارای سواد رسانه‌ای همواره می‌کوشد در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی مطلوب گام بردارد و عکس‌العمل خود را در برابر رسانه‌ها اعلام کند. او تنها بیننده صرف رسانه نیست، بلکه نگاهی دقیق، عمیق و منتقدانه به رسانه دارد. با بینش و آگاهی لازم به تولید و تفسیر پیام‌ها می‌پردازد، از اهداف رسانه‌ها، آگاه است و از آن‌ها به صورت مناسب استفاده می‌کند. پیام‌های ضمنی را کشف می‌کند و با حساسیت تمام دست به گزینش می‌زند.

چگونه سواد رسانه‌ای می‌تواند با پژوهش معلمان ارتباط داشته باشد و چگونه می‌تواند پیش‌بایسته‌ای برای تربیت معلمان پژوهشگر باشد. قبل از پرداختن به این موضوع، بهتر است به برخی تجربیاتی که حاکی از ضعف معلمان در سواد رسانه‌ای است، اشاره کنم. اینکه می‌گویم برخی از معلمان ما سواد رسانه‌ای مطلوبی ندارند، حاصل تجربه تقریباً ده ساله‌ای است که در کار با معلمان دارم. در یک نیم‌سال، درس «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی» را به معلمان تدریس می‌کردم. از ابتدای نیم‌سال، هر بار اهمیت تحلیل محتوای کتاب‌های درسی را برای معلمان توضیح می‌دادم، انگیزه‌ای در آن‌ها برای انجام این کار نمی‌دیدم. همواره احساس می‌کردم نگاه



ولی به علت زمان کم، کار بسیار مشکلی بود و از هدف اصلی باز می‌ماندیم. البته آن‌ها بعد از پایان نیم‌سال، احساس خیلی خوبی داشتند و می‌گفتند ما پژوهشگر شده‌ایم، ولی برخی‌شان با تصورات ذهنی من فرسنگ‌ها فاصله داشتند. در خصوص نقش سواد رسانه‌ای در پژوهش، بهتر است ابتدا به مزیت‌های سواد رسانه‌ای اشاره کنیم. یکی از مزایای آموزش سواد رسانه‌ای به مخاطبان این است که سبب می‌شود درباره آنچه می‌خوانند، می‌بینند و می‌شنوند، سؤالات اساسی بپرسند (شکرخواه، ۱۳۸۵). پژوهش با سؤال آغاز می‌شود و برای اینکه سؤالاتی در ذهن معلمان ایجاد شود، آن‌ها باید قبل از هر چیز، سواد رسانه‌ای داشته باشند تا دریافت‌کننده غیرفعال اطلاعات نباشند، بلکه سؤال در ذهن آن‌ها ایجاد شود و برای یافتن پاسخ سؤال، دست به پژوهش بزنند.

یکی دیگر از مزیت‌های آموزش سواد رسانه‌ای به مخاطبان این است که سبب می‌شود با محتوای رسانه‌ها برخورد منتقدانه داشته باشند (شکرخواه، ۱۳۸۵). برخورد منتقدانه، زمینه پژوهش‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان را فراهم می‌سازد. معلم اگر بخواهد پژوهش کیفی انجام دهد، باید قبل از هر چیز به این مهارت‌ها مجهز شود تا بتواند در پژوهش‌های کیفی، گفتمان‌ها را تحلیل و نقد کند. معلمان ابتدا باید گفتمان

انتقادی را بیاموزند تا در سایه گفتمان انتقادی، سؤالاتی در ذهن آن‌ها ایجاد شود و بر آن اساس، دست به پژوهش بزنند. قبل از انجام هر پژوهشی لازم است معلمان از طریق یک برنامه مدون، در بحث تحلیلی و انتقادی پیرامون متون شفاهی، متون چاپی، مواد بصری، چندرسانه‌ای و... درگیر شوند. آن‌ها باید رسانه‌ها را موشکافانه بررسی کنند.

هر ساله رسانه‌های متفاوتی از جمله کتاب‌های درسی و غیردرسی، فیلم و چندرسانه‌ای‌ها تهیه و روانه بازار می‌شوند. اگر معلمی سواد رسانه‌ای داشته باشد، به همه این‌ها با دید انتقادی و موشکافانه نگاه می‌کند. این نگاه به او کمک می‌کند که در مورد آن‌ها پژوهش کند و محتوای آن‌ها را به‌طور عمیق و دقیق بررسی و تحلیل کند. معلم با پژوهش درباره رسانه‌ها و تحلیل آن‌ها، رسانه‌های مفید و مؤثر را شناسایی و به دیگران معرفی می‌کند و آن‌ها را از تأثیرات مخرب رسانه‌ها آگاه می‌سازد. هر روز موج عظیمی از بازی‌های رایانه‌ای وارد بازار می‌شوند و دانش‌آموزان هم بدون تأمل، آن‌ها را می‌خرند و استفاده می‌کنند.

توانایی برقراری ارتباط از طریق رسانه و توانایی دستیابی به

رسانه و استفاده از آن نیز از دیگر مزیت‌های سواد رسانه‌ای است (سوزوکی، ۲۰۰۳، به نقل از نصیری و عقیلی، ۱۳۹۱). در این زمینه نیز ضعف‌های زیادی بین برخی از معلمان (مخصوصاً معلمان با سابقه) وجود دارد. وقتی فردی نتواند در محیط اینترنت جست‌وجو کند، در ارزیابی و انتخاب اطلاعات درست و معتبر ضعف داشته باشد، و نتواند از طریق اینترنت ارتباط بگیرد، بدون شک در انجام پژوهش نیز ضعف خواهد داشت؛ چرا که این موارد از ابزارهای لازم برای پژوهش هستند. من در کلاس‌هایم همواره از معلمان خواسته‌ام در صورت داشتن اشکالاتی در زمینه پژوهش خود، از طریق ایمیل با من تماس بگیرند، ولی متأسفانه در هر نیم‌سال فقط یک یا دو نفر این کار را انجام می‌دهند و بقیه ایمیل ندارند. برخی نیز از طریق ایمیل دیگران سؤالاتشان را مطرح می‌کنند.

همه موارد بالا فقط بخشی از مشکلاتی هستند که ممکن است به علت ضعف سواد رسانه‌ای رخ دهند. از آنجا که یکی از دلایل ضعف معلمان و رغبت نداشتن آن‌ها به انجام پژوهش، به ضعف در سواد رسانه‌ای برمی‌گردد، بهتر است آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان، ارتقای سواد رسانه‌ای معلمان را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند و زمینه‌ای برای تربیت معلمان پژوهشگر فراهم سازند. دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه «تقاضامحور» است که

دو وظیفه بر عهده دارد: یکی تربیت نیروهای مورد نیاز آموزش و پرورش، و دیگری بهسازی نیروهای موجود. این دانشگاه اگر بخواهد معلمان آینده به سرنوشت معلمان امروز دچار نشوند، لازم است با برنامه‌ای دقیق و حساب‌شده پیش برود. خوشبختانه دانشجویانی که وارد دانشگاه فرهنگیان می‌شوند، بسیار با استعداد هستند. بنابراین به راحتی می‌توان مقدمات رشد آن‌ها را فراهم ساخت؛ ولی برنامه دیگری هم برای ارتقای معلمان موجود، ضرورت دارد.

پی‌نوشت

1. Christ and Potter

منابع

۱. شکرخواه، بونس. «سواد رسانه‌ای یک مقاله عقیده‌ای». فصل‌نامه رسانه. ۱۷ (۴). ۱۳۸۵.
۲. نصیری، بهاره و سیدوحید عقیلی. «بررسی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای کانادا و ژاپن». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. ۱۱ (۴۱). ۱۳۹۱.
۳. ارجمندی، غلامرضا. **مهارت‌های سواد رسانه‌ای** (در کتاب مهارت‌های زندگی ۱). انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران. ۱۳۸۵.
4. Christ, W. & Potter, W.J. (1998). Media literacy, media education and the academy. *Journal of Communication*, 48 (1).

داستان باور نکردنی پژوهش و رسانه

۳۱
۱۶

تذکر: صحنه‌هایی از این داستان ممکن است برای والدین بالای ۳۵ سال ناراحت کننده باشد.

داستان باور نکردنی این شماره را از زبان قنبر نقل می‌کنیم؛ دانش‌آموز سخت‌کوشی که با ارائه به‌موقع پروژه‌های وزینش، مسئولان مدرسه و معلمان مربوطه و مراکز گردآوری کاغذهای بازیافتی را به تحسین وامی‌داشت. و اکنون بیان ماجرا از زبان خودش:

آخر شب بود. داشتیم در اتاقم راجع به نوع پوشش برندگان جایزه اسکار تحقیقات سازنده‌ای می‌کردم. سکوت دهشتناکی فضا را فراگرفته بود و تنها صدای رعدآسای آهنگی که در رایانه‌ام روشن کرده بودم، سکوت سنگین شب

رویا صدر

تصویرگر: سام سلماسی

GHANBAR'S
PROJECT



را تا شعاع چند کیلومتری می شکافت و می لرزاند. ناگهان در اتاق به صورت تکان دهنده‌ای باز شد. مادرم سراسیمه داخل شد و گفت: «سراسم گرفتم. اون کامپیوتر کوفتی رو خاموش کن برو بخواب! بذار منم کپه مرگمو بذارم. صبح می‌خوای پاشی بری مدرسه!»

سپس در را به هم کوبید و رفت. اسم مدرسه که آمد، یاد پروژه فردا افتادم که از بس سرگرم تحقیقات سازنده پیرامون اسکار بودم، پاک یادم رفته بود. عنوان پروژه‌ام «معمای هندسه هذلولی و گرافیک رایانه‌ای در فضای نسبییت چند بعدی» بود. وقت تنگ بود و چاره‌ای نداشتم جز آنکه با بهره‌گیری از اطلاعات و تجربیات ذی‌قیمت دیگران، سرروته کار را به هم بیآورم. این بود که کلمه‌های معما، هذلولی، فضا، گرافیک، هندسه و رایانه و چند بعدی را در «گوگل سرچ» تایپ کردم و منتظر ماندم. صفحات متعددی جلویم باز شدند که هر کدام حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی در رابطه با موضوع پروژه بود. از کجی برج میلاد در فضا و به تور انداختن پری دریایی چند بعدی و نگرش حسین پناهی و رایین ویلیامز و دیگران به هندسه هذلولی و آب گرفتگی فضای اطراف پاسارگاد و شنای کوسه‌ها در آن گرفته تا بزرگ شدن مریخ و سرگذشت دختر ایرانی که معمای نسبییت اینشتین را حل کرده.

اما موضوع به همین جا ختم نشد. صفحه‌ای پیش رویم باز شد که اعلام می‌کرد من آدم خوش‌بختی هستم و برنده جایزه صد هزار میلیارد دلاری شده‌ام که اتحادیه آبریزگاه‌های عمومی سکه‌های «جزایر هونولولو»، به برنده خوش‌بختی که روی هذلولی‌ها کار می‌کند، می‌دهد. به نشانی مورد نظر رفتم تا جایزه را تحویل بگیرم. شماره حساب، شماره کارت، رمز عبور و مقدار دیگری خرده‌ریز از من خواست. رفتم اطلاعات فوق را ایمیل کنم. در میل باکسم پیام عمومی را خواندم که در جنگل‌های آمازون گیر آدم‌خواران افتاده بود و از داخل دیگ آب‌جوش تقاضای پول می‌کرد و می‌گفت پلنگ‌های مازندران کیف پولش را همین چند دقیقه پیش خورده‌اند و شماره حسابش را هم نوشته بود. دهانم خشک شده بود و از ترس می‌لرزیدم. به خصوص اینکه یادم افتاد اصلاً عمو ندارم ولی این موضوع از اهمیت ماجرا نمی‌کاهد و آن را بغرنج‌تر نیز می‌کرد.

وقت اندکی در اختیار داشتم و درنگ جایز نبود. به خصوص اینکه تحقیقاتم پیرامون اسکار نیمه‌کاره مانده بود و هر

لحظه احتمال می‌دادم مادرم سر برسد و صحنه‌هایی را که ممکن است برای والدین بالای ۳۵ سال ناراحت‌کننده باشد، در رایانه‌ام مشاهده و در کارم دخالت کند. من بچه راست و درست و صادقی بودم و یاد گرفته بودم همیشه حرف درست را بگویم و بشنوم. این بود که حمل بر صحت و درستی کردم و از تمام صفحه‌ها، اعم از پلنگ مازندران و پری دریایی و برج میلاد، پرینت گرفتم و همه را داخل پوشه گذاشتم که فردا به‌عنوان پروژه تحویل دهم. در آن لحظات سخت و دلپره‌آور به تنها چیزی که فکر نمی‌کردم این بود که این اطلاعات چه ربطی به فضاهای چند بعدی دارد و چرا تا حالا توی روزنامه‌ها و تلویزیون راجع به دختر ایرانی حل‌کننده معمای اینشتین و پری دریایی و گاو مش حسن و کجی برج میلاد و کوسه‌های اطراف پاسارگاد و بزرگ شدن مریخ و جایزه بزرگ آبریزگاه جزیره هونولولو چیزی نگفته‌اند!

عرق سراپای وجودم را فراگرفته بود. پنجره بسته، فن کوئل خاموش و هوا گرم بود. نگران عموم بودم که در دیگ آدم‌خواران چه بر سرش می‌آید. من حساب اینترنتی نداشتم و می‌دانستم که ببر مازندران این حرف‌ها حالی‌اش نیست. فردایش که به مدرسه رفتم و ماجرا را برای دوستان گفتم، آن‌ها باور نکردند و گفتند که یا من این حرف‌ها را از خودم درمی‌آورم یا فیلترشکن مورد نظر من ایراد داشته و امکان ندارد که براد پیت در مراسم اسکار کراوات بپوشد.

سال‌ها از آن ماجرا می‌گذرد و اکنون که به آن شب عجیب فکر می‌کنم، لرزشی خفیف سراپایم را فرامی‌گیرد. لرزشی که ابعاد آن شش درجه ریشتر بوده و براساس اطلاعات متقن سایت‌های اینترنتی، یک پری دریایی را در کره مریخ که در حال بزرگ شدن است، تا هشت متر به بالا برده و بر فراز برج میلاد که در حال کج شدن است، درست کنار دختری که معمای اینشتین را حل کرده است، به زمین می‌زند که عکس و فیلم آن هم موجود است...

آیا خبرهای عجیب و غریبی که قنبر در اینترنت خوانده و عیناً توی تحقیقش نقل کرده، واقعی است؟
آیا قنبر آن شب لرزید؟
اگر او لرزید، چرا گفت هوا گرم بوده و عرق کرده؟
آیا آدم‌خواران در دیگ‌هایشان آب تصفیه شده می‌ریزند؟

آیا قنبر واحد تحقیق را پاس کرد؟
آیا اگر بدانید معلم حتی تحقیق قنبر را ورق هم نزده و به او نمره کامل داده است، تعجب نمی‌کنید؟
نه؟ تعجب نمی‌کنید؟ پس هیچی! بروید صفحه بعدی. ما را بگو که خواستیم یک داستان باورنکردنی برایتان بنویسیم...

ساعت آفتابی در کره ماه

برانگیختن روحیه پژوهش در کلاس درس

هیوا علیزاده

دبیر فیزیک منطقه ۶ آموزش و پرورش تهران

داشته باشیم؟ و در اینجا همه دانش آموزان خندیدند! و به این ترتیب کلاس ما آغاز شد. سپس در فرایندی تعاملی با محوریت جهت دادن به افکارمان برای رسیدن به شناخت بیشتر از خودمان، به بحث جهت یابی روی کره زمین رسیدیم. وقتی ضرورت استفاده از جهات اصلی (شمال، جنوب، شرق و غرب) مطرح شد، من از بچه‌ها پرسیدم: کسی تا به حال از قطب‌نما استفاده کرده است؟ جواب «خیر» بود. چون قطب‌نمای مکانیکی در کلاس نداشتیم، از قطب‌نمای دیجیتال تلفن همراه استفاده کردم و بچه‌ها با کار با آن آشنا شدند و در حین کار سؤالاتی برایشان پیش آمد:

- چرا قطب‌نما باید جهت شمال را نشان دهد؟
- این نوع قطب‌نما چه طور کار می‌کند؟
- از کجا معلوم که قطب‌نما جهت درست را نشان می‌دهد؟
- چرا زمین میدان مغناطیسی دارد؟
- و ...

در واقع بچه‌ها شروع به طرح مسئله کردند و بعد از صحبت‌ها و کلیپ‌ها و ... که در جهت بررسی سؤالات مطرح و ارائه شدند، به موضوع ستاره قطبی پرداختیم و من پرسیدم: کسی تا به حال ستاره قطبی را دیده است؟ جواب «خیر» بود. در اینجا بحث به صورت‌های فلکی و حرکت اجرام آسمانی کشیده شد و در این حین، سؤالی برای یکی از دانش آموزان شکل گرفت: «چرا ستاره قطبی، چرا بقیه ستاره‌ها نه؟»

در ادامه بحثمان، من از بچه‌ها پرسیدم: به غیر از این موارد چه چیزی می‌تواند در جهت یابی به ما کمک کند؟ هیچ‌کس در کلاس به خورشید اشاره‌ای نکرد تا اینکه از طریق راهنمایی من به کشف خورشید برای جهت یابی رسیدند!

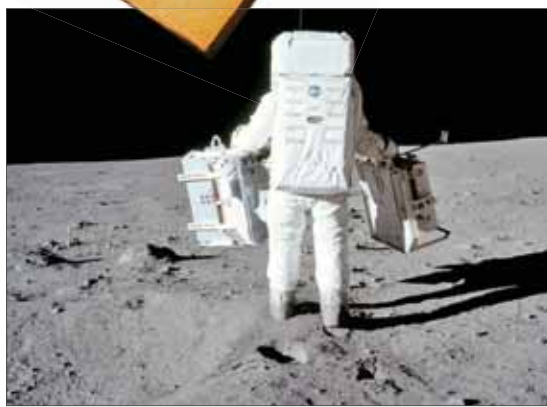
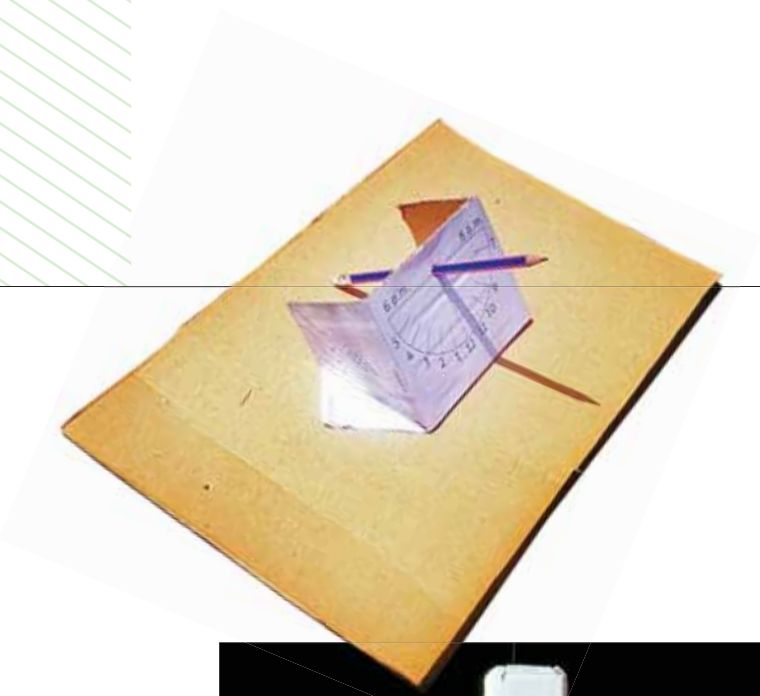
پرسش مهم اینجاست که چه اتفاقی در کلاس درس ما می‌افتد که دانش آموز به قطب‌نما اشاره می‌کند؛ در صورتی که کار با آن را بلد نیست و اکثر آن‌ها فقط تصویر این ابزار را دیده‌اند! و یا به ستاره قطبی برای جهت یابی اشاره می‌کند؛ در صورتی که از مکان خود این ستاره آگاهی ندارد! همه این‌ها در حالی است که خورشید هر روز از شرق طلوع می‌کند و او هر روز این واقعه را تجربه می‌کند. این‌گونه رفتار دانش آموزان به ما می‌گوید که در

پژوهش هنگامی ضرورت می‌یابد که پرسشی وجود دارد. اما اگر کلاس درس مکانی برای پژوهش در مورد پرسش‌های دانش آموز نباشد، چطور می‌توان از او انتظار روحیه پژوهشگری داشت؟ تلاش او برای یافتن پاسخ آن، می‌تواند عامل تأثیرگذاری در شیوه آموزش باشد؛ شیوه‌ای که در آن طرح سؤال را حق دانش آموز خود بدانیم. در این صورت او با اعتماد به نفس بیشتری به طرح سؤال می‌پردازد و کل فرایند کلاس به ابزاری تبدیل می‌شود تا دانش آموز به کمک آن به ابزار خود بپردازد. در این مقاله توضیح می‌دهیم که چه طور در کلاس‌های تابستان در دبیرستان، در کلاسی با عنوان «پژوهش»، سعی شد که دانش آموز در جهت قرار گرفتن در مسیر پرسشگری و تلاش برای حل پرسش و در ادامه آن خلق پرسشی دیگر، گام بردارد.

ماجرای بیان یکی از سؤال‌های دیرینه بسیاری از دانش آموزان شروع شد. به این ترتیب که در جمع دانش آموزان ۱۷ ساله پرسیدم: «چرا به مدرسه می‌آییم؟» ابتدا با سکوت روبه‌رو شدم؛ سکوتی که به من فرصت می‌داد به چهره‌ها نگاه کنم و شاهد چشمان متعجب همراه با لبان خندانی باشم که گویی می‌گفتند: «این سؤال‌ها را سال‌هاست فراموش کرده‌ایم!»

تا اینکه یکی گفت: برای اینکه به دانشگاه برویم. پرسیدم برای چه به دانشگاه برویم؟ دیگری پاسخ داد: که شغل داشته باشیم. و من دوباره پرسیدم: برای چه شغل داشته باشیم؟ و دانش آموزی پاسخ داد: که پول داشته باشیم. پرسیدم: برای چه پول





آیا انسان در ماه سایه دارد؟

کلاس هایمان به گونه ای پیش رفته ایم که گویی محفوظات برای دانش آموز ارزش بیشتری نسبت به مشاهده و کار بست آموزه ها دارد. این خود نشان از آن دارد که نگاه او به ابزار نگاهی غیرواقعی است و تغییر دادن این نگاه به کمک شیوه آموزشی ضروری است. حال چه باید کرد؟

از آنجا که اگر خورشید نبود حیاتی روی کره زمین شکل نمی گرفت، ترجیح دادم دانش آموزان خورشید را بیشتر ببینند. در همین راستا یک ساعت آفتابی ساختم و از آن نیز برای جهت یابی استفاده کردیم. وقتی در حال آزمایش ساعت آفتابی بودیم، این سؤال برای یکی از دانش آموزان شکل گرفت که: «آیا می توان از ساعت آفتابی روی کره ماه استفاده کرد؟» این سؤال وقتی مطرح شد که در زمان آزمایش، هلالی از ماه در آسمان روز قابل رؤیت بود و این سؤال دانش آموز نشان از این داشت که جریان کلاس در نحوه مشاهده او از اطراف، تغییر ایجاد کرده است. در ادامه بحث روی سؤال مطرح شده، سؤال دیگری برای یکی از دانش آموزان شکل گرفت: «از آنجا که اصول ساعت آفتابی بر مبنای سایه است، آیا روی ماه سایه وجود دارد؟» بچه ها به گفت و گو پرداختند و به این نتیجه رسیدند که می توان از عکس هایی که از ماه روی اینترنت وجود دارد، در این جهت استفاده کرد. ماجرا به این انجامید که عکس هایی در این زمینه جمع آوری کردند و در کلاس به نمایش گذاشتند. وقتی در حال تماشای تصویرهای ماه در کلاس بودیم، یکی از بچه ها گفت: «در گذشته بارها این عکس ها را دیده ام و این اولین باری است که به وجود سایه روی ماه دقت می کنم.»

من از این خوش حال بودم که دانش آموز می دید حرکت هدفمند او در جهت حل یک پرسش، به نگاه متفاوتی به ابزار (اینترنت) و منبع اطلاعاتی (عکس) منجر می شود. کشف این موضوع می تواند در نگرش فرد در استفاده از رسانه ها نیز تأثیر گذار باشد. به عبارت دیگر، وقتی فرد دریابد نگاه او به ابزار است که به ابزار معنا می بخشد و نه صرفاً وجود ابزار، برای نگاه خود ارزش بیشتری قائل می شود. این نوع ارزش گذاری به نگاه است که می تواند برای او انگیزه ایجاد کند تا برای سؤالاتی که برای خودش و دیگران پیش می آید، احترام قائل شود و در جهت یافتن پاسخی برای آن ها گام بردارد و به این ترتیب، پژوهش متولد می شود.

یادم باشد

پایه

«معرفی google keep»

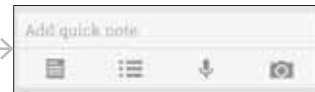
مریم فرحمند



برای فراموش نکردن مناسبت‌ها، کارهای روزمره و آتی، ایده‌ها، قرارهای ملاقات و جلسات، همیشه تقویمی به همراه داشتم. گاهی پیش می‌آمد که فراموش می‌کردم تقویم را چک کنم و یا یادداشتی را که در آن نوشته‌ام، بخوانم. با استفاده بیشتر از تلفن هوشمند، با برنامه‌ی آشنا شدم که به‌خاطر ساده بودن در استفاده و قابلیت‌هایی متنوع، کم‌کم جای تقویم را برایم گرفت.

برنامه‌ک «گوگل کیپ» به کاربر امکان می‌دهد تا هر چه را در ذهن دارد، به‌سرعت و ساده از طریق تایپ کردن، عکس گرفتن و یا ضبط صدا، ثبت کند. این برنامه‌ک را- که برای هر دو سیستم‌عامل Android و IOS طراحی شده است- می‌توانید به‌صورت رایگان از «Apple Store»، «Google Play» و یا سایر بازارهای شناخته‌شده برنامه‌های تلفن‌های هوشمند نصب کنید.

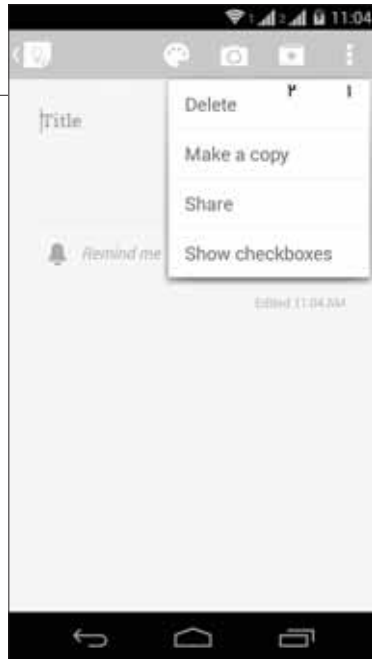
۲ برای شروع هر یادداشت، کافی است هر کدام از نمادهای تصویر ۲ را لمس کنید.



۳ به یاد داشته باشید که با لمس نماد دوربین می‌توانید تصویر جدید را ثبت کنید و یا از آلبوم عکس موجود خود عکسی را انتخاب کنید. با لمس نماد میکروفون می‌توانید یادداشت صوتی ثبت کنید. قابلیت زنگ و هشدار در ساعت و روز تعیین شده، مانع از فراموشی رویداد مورد نظر می‌شود. در آغاز نوشتن یک یادداشت جدید، صفحه تصویر ۳ را مشاهده خواهید کرد.

گزینه ۱ برای تنظیمات یادداشت، گزینه ۲ برای اضافه کردن تصویر به یادداشت، و گزینه ۳ برای انتخاب رنگ دلخواه به منظور اولویت‌بندی و سازماندهی یادداشت‌هاست.

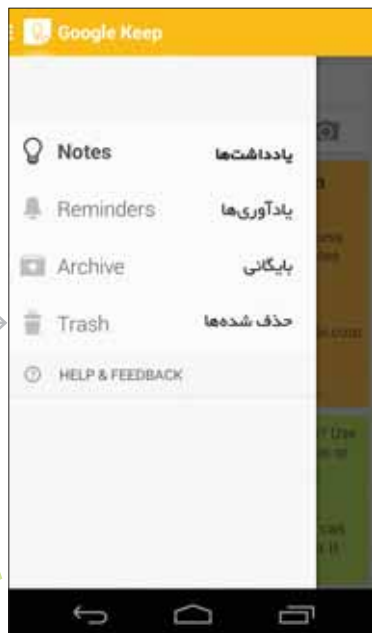




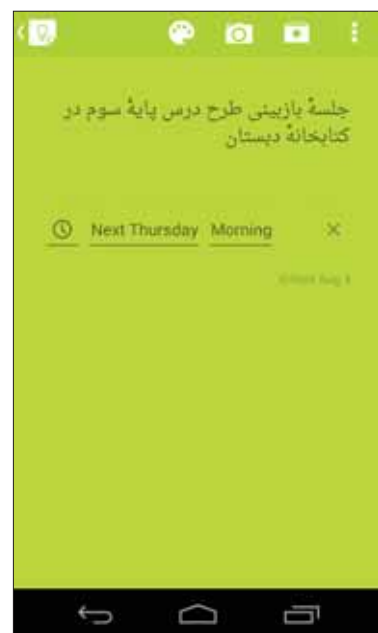
برای حذف یادداشت نماد ۱ و برای بایگانی یادداشت نماد ۲ را لمس کنید.

۴

با کلیک روی این نماد به تنظیمات بیشتری از برنامه دسترسی خواهید داشت.



۶



۵

چه کسی پژوهش کرد؟

گزارشی از نمایشگاه طرح پژوهشی جابر بن حیان

صغری ملکی

روی آن گذاشته‌اند؛ جابر بن حیان، که نام دانشمندی مسلمان در سده دوم از سرزمین خراسان است. با اینکه طرح مزبور وارداتی است ولی به خوبی توانسته است با مدارس ایران پیوند برقرار کند و جای خود را در مدارس باز کند. شاید یکی از دلایل این اتفاق هماهنگی و نزدیکی بسیار زیاد این طرح با برنامه درسی علوم باشد. برنامه درسی علوم در دوره ابتدایی مملو از پروژه‌های پژوهشی ریز و درشتی است که هر معلم هوشیار و هنرمند می‌تواند هر زنگ این درس را به طرح جابر تبدیل کند؛ بدون اینکه منتظر دستورالعمل و بخش‌نامه‌ای از سوی اداره باشد.

طرح پژوهشی جابر هر سال طی دستورالعمل و بخش‌نامه‌ای گسترده به مدارس ابلاغ می‌شود. طبق مفاد این بخش‌نامه، معلمان موظفاند دانش‌آموزان خود را با طرح آشنا کنند. هر دانش‌آموز به‌طور انفرادی یا گروهی می‌تواند با طرحی پژوهشی در این جشنواره شرکت کند. این طرح برای دانش‌آموزان کوچک‌تر، ساده و فقط در حد تهیه مجموعه‌ای از اشیا و مواد متفاوت است؛ مانند درست کردن مجموعه دانه‌ها، برگ‌ها و سکه‌های قدیمی. اما برای دانش‌آموزان بزرگ‌تر می‌تواند ساختن مدل، مانند مدل منظومه شمسی و مدل آتش‌فشان یا طرح و بیان مسئله‌ای پژوهشی و پیگیری آن به روش علمی باشد. دانش‌آموزان باید موضوع خود را انتخاب و آن را در زمان تعیین‌شده انجام دهند. آن‌گاه گزارش خود را به

به‌دست آوردن پاسخ مسئله تا پایان ... را یاد می‌گیرد.

اینکه معلم برای یادگیری، مطالعه، تحقیق و جست‌وجو شور و شوق، و هیجان داشته باشد و این احساس‌ها را در کلاس و در مقابل دانش‌آموزان نشان دهد، نکته مهمی است که می‌تواند کم‌کم این حالت‌ها را در دانش‌آموزان نیز ایجاد کند و کلاس را به تکاپو وادارد. در واقع، علاقه‌مندی معلم به جست‌وجو و یادگیری می‌تواند به دانش‌آموزان سرایت کند؛ همچنان که بی‌علاقگی و خستگی او نیز می‌تواند واگیردار و مسری باشد. وقتی معلمی در کلاس فریاد می‌زند: «چه سؤال خوبی! بچه‌ها برویم اطلاعات جمع کنیم... بگذارید وسایل بیاوریم و آزمایش کنیم... دوست دارم تمام ایده‌های یکدیگر را بشنویم و...» همه این‌ها ظرافت‌هایی هستند که دانش‌آموزان را نیز علاقه‌مند و مشتاق یادگیری و پژوهش می‌کنند. در دوره ابتدایی معلمان باید با تمام توان و با استفاده از روش‌های گوناگون، پایه‌های پرشگری و پژوهش را در کودکان به وجود آورند و در نگهداری و افزایش این مهارت به‌طور مداوم بکوشند.

پژوهش و پایه‌ریزی مراحل روش علمی در دوره ابتدایی به قدری اهمیت دارد که چند سالی است از سوی معاونت ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، طرحی پژوهشی به نام «جشنواره پژوهشی جابر» در مدارس ابتدایی در چهار سطح مدرسه، منطقه، استان و کشور برگزار می‌شود. اساس این طرح از کشورهای دیگر گرفته شده است و وجه ایرانی آن، تنها نامی است که

همه ما می‌دانیم و بسیار دیده‌ایم که کودکان بسیار سؤال می‌کنند و به دنبال پاسخ فوری سؤالات خود هستند. کودکان سؤالات خودشان را دارند، چیزهایی که شاید فقط در یک لحظه به ذهنشان رسیده و فکرشان را درگیر کرده است و همان لحظه نیز آن را بر زبان آورده‌اند. سؤالاتی که گاه بسیار عجیب و گاه بسیار سطحی و خنده‌دار هستند. اما آن‌ها می‌پرسند؛ از مادر، پدر، خاله، عمو، معلم و از هر کس که در کنارشان باشد. سؤالات آن‌ها معمولاً لحظه‌ای است و لحظاتی بعد به موضوعی دیگر و سؤالاتی دیگر مشغول می‌شوند. بسیار کم پیش می‌آید که کودکان مانند یک پژوهشگر حرفه‌ای با مسئله‌ای درگیر شوند و مدت‌ها با آن مشغول بمانند. البته این حالت با بالاتر رفتن سن بچه‌ها تغییر می‌کند.

کودکان در کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم کم‌کم سؤالات خود را بیشتر پیگیری می‌کنند. معلمان ابتدایی، چه در کلاس‌های پایین‌تر و چه در سال‌های بالاتر این دوره، همواره باید سعی کنند خود را نسبت به سؤالات کودکان علاقه‌مند، پیگیر، مشتاق و هیجان‌زده نشان دهند. وقتی دانش‌آموزی می‌بیند آموزگارش سؤالش را به خوبی گوش می‌کند، جوابش را بلافاصله و مستقیم پاسخ نمی‌گوید و با شور و شوق در کلاس فریاد می‌زند: «چه سؤال جالبی! من هم پاسخ دقیقش را نمی‌دانم، بیایید به کتابخانه مدرسه برویم، یا از اینترنت...»، او کم‌کم راه‌های جمع‌آوری اطلاعات از منابع متفاوت، مقایسه و تجزیه و تحلیل اطلاعات، پیگیری در

سبک جالبی بر مقوای سه وجهی با متن، شکل، تصویر و حتی فیلم که در سی دی ضبط کرده‌اند، آماده سازند و در مدرسه به نمایش بگذارند. سپس از کارهای مدرسه تعدادی انتخاب و به منطقه فرستاده می‌شوند. آثار به همین ترتیب از منطقه به استان می‌روند و در نهایت کارهای برگزیده به مرحله کشوری راه پیدا می‌کنند.

این طرح، دانش‌آموزان را با مراحل یک پژوهش به صورت علمی آشنا می‌کند. علاوه بر این، یکی از اهداف آن که در بخش دستورالعمل به معلمان ابلاغ می‌شود، آشنا ساختن دانش‌آموزان با فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از آن در پژوهش است. دانش‌آموزان در این طرح می‌آموزند چگونه از اینترنت برای جمع‌آوری اطلاعات بهره بگیرند، با سایت‌های گوناگون آشنا شوند، درستی و نادرستی مطالبی را که در اینترنت پیدا می‌کنند، با معلم خود در میان بگذارند و از برنامه‌های رایانه‌ای مانند برنامه ورد و اکسل، با توجه به نیازی که در این طرح دارند، بهره بگیرند. به هر صورت، جشنواره پژوهشی جابرین حیان بستری فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان دوره ابتدایی با انجام کاری پژوهشی، با فناوری‌های روز آشنا شوند و به اقتضای نیاز خود از آن‌ها استفاده کنند. علاوه بر این، جشنواره مزبور ارزش‌ها

و سودمندی‌های دیگری نیز دارد؛ از جمله: ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری، نقدپذیری و سپس‌گزار از نظرات اصلاحی دیگران؛ آموختن آداب سخن گفتن و گزارش مطلبی علمی (چون پس از اینکه مقوای سه وجهی گزارش طرح آماده و نمایشگاه در سطح مدرسه، منطقه و ... تشکیل شد، دانش‌آموزان باید در کنار کار خود باشند و به بازدیدکنندگان گزارش شفاهی نیز ارائه کنند)؛ ارتقای روحیه همکاری در میان کودکان، افزایش ذوق هنری و زیبایی‌شناسی؛ ایجاد روحیه خدمت به ملت و جامعه.

جشنواره پژوهشی جابرین حیان بستری فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان دوره ابتدایی با انجام کاری پژوهشی، با فناوری‌های روز آشنا شوند و به اقتضای نیاز خود از آن‌ها استفاده کنند

اما این طرح با تمام زیبایی‌ها و ظرفیت‌هایی که دارد، در سال‌های اخیر در اجرا با بدفهمی‌ها و نگاه‌های سطحی همراه بوده است. متأسفانه چون حالت جشنواره و مسابقه‌ای دارد که در نگاه صحیح خودش می‌تواند عامل پویایی

این طرح شود، اما در اجرا به عامل تخریب طرح و دور شدنش از رسالت واقعی‌اش تبدیل شده است. معلمان و مدیران برای درخشیدن کارهایشان در منطقه و استان دانش‌آموزان را که قلب تپنده این طرح باید باشند، تقریباً کنار می‌گذارند و طرح را به والدین دانش‌آموزان می‌سپارند تا با داشتن وقت، هزینه و ... کارهای زیبا و نمایشی را به جشنواره برسانند. دانش‌آموزان در برخی از مدارس حتی از این طرح خبردار نیز نمی‌شوند. مدیر و آموزگار هر کلاس، جلسه‌ای با اولیا می‌گذارند و بعد از گروه‌بندی آن‌ها، از آن‌ها می‌خواهند در تاریخ معینی کارهای پژوهشی را به مدرسه تحویل دهند! این واقعیت تلخ را با قدم زدن در نمایشگاه‌های منطقه‌ای، استانی و حتی کشوری به راحتی می‌توان دریافت. کارها به قدری شیک، پرهزینه و تصنعی هستند که هر فردی با اندکی شناخت از کودکان هفت تا یازده ساله، یقین می‌کند این کار، کار بچه‌های این گروه سنی نیست. علاوه بر این، وقتی از کودکانی که در کنار پروژه خود در نمایشگاه ایستاده‌اند می‌خواهیم توضیحات عمیق‌تری درباره پروژه خود بدهند، چون خود درگیر کار نبوده‌اند، نمی‌توانند گزارش و دفاع خوبی از کار خود داشته باشند.

حیف است و واقعاً جای بسی افسوس دارد که طرحی بدین خوبی و مفیدی در برخی از مدارس و کلاس‌ها این گونه اجرا می‌شود. طرحی که می‌تواند منشأ ارزش‌های بی‌شماری در دانش‌آموزان شود و در نهایت و پایان کار، شور و شغفی دلنشین و شیرین را از اتمام یک پروژه در دل هر دانش‌آموزی ایجاد کند، چنین دچار سطحی‌نگری و تخریب شده است. امیدواریم معلمان و مدیران با عنایتی ویژه به این طرح در جهت هر چه کیفی‌تر و واقعی‌تر شدن آن گام‌های مؤثرتری بردارند.





چگونه یک برنامهک بسازیم

(قسمت سوم)

عبدالحمید پهلوزاده

دبیر ریاضی، استان بوشهر شهر آبدان

در قسمت قبل با محیط «برنامه فلش» و نحوه انتشار فایل برنامهک به طور مختصر آشنا شدید. در این شماره قصد داریم شما را با فریم‌ها، لایه‌ها و نحوه انیمیشن کردن اجزا آشنا کنیم.



انواع فریم‌ها در برنامه فلش

فریم‌های کلیدی: به فریم‌هایی که شامل محتویات جدیدی نسبت به قبلی‌ها باشند، «فریم کلیدی» می‌گویند. اگر فریم کلیدی خالی باشد، درون فریم یک دایره توخالی قرار دارد و اگر این نوع فریم‌ها دارای محتوا باشند، یک دایره توپُر درون آن فریم در «Timeline» وجود دارد. فریم‌های شماره ۱ یک لایه‌های پس‌زمینه و کدها از نوع کلیدی خالی هستند، ولی فریم‌های شماره ۲ بقیه لایه‌ها کلیدی و دارای محتوا هستند.

فریم‌های خالی: این نوع فریم‌ها هیچ محتوایی ندارند و به رنگ سفید هستند؛ مثل فریم‌های لایه ۳ پس‌زمینه و کدها.

فریم‌های میانی: فریم میانی در انیمیشن کاربرد دارد که در ادامه توضیح خواهیم داد. این نوع فریم‌ها اگر دارای محتوا باشند، به رنگ خاکستری‌اند؛ مانند فریم‌های لایه‌های متن‌ها و دکمه‌ها.

فریم‌های معمولی: این فریم‌ها محتویات فریم‌های قبلی را نمایش می‌دهند.

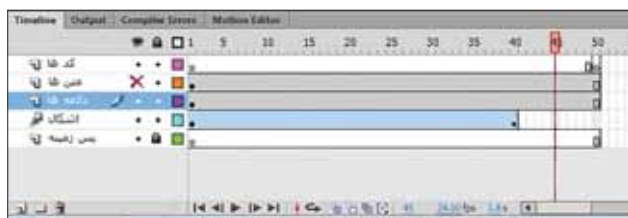
انواع انیمیشن در فلش

در برنامه فلش به دو شیوه می‌توان انیمیشن ایجاد کرد:

انیمیشن فریم به فریم

انیمیشن میان‌یابی^۲

در انیمیشن فریم به فریم برای شبیه‌سازی کردن حرکت توپ فوتبال باید تمام حرکات آن را از ابتدا تا انتها با دقت طراحی کنیم و با پشت سر هم قرار دادن فریم‌ها، به آن‌ها حالت انیمیشن بدهیم، اما در حالت انیمیشن میان‌یابی کار بسیار ساده است. ما باید محل آغاز انیمیشن و نقطه پایان و تعداد فریم‌هایی را که می‌خواهیم بین ابتدا و انتها باشد، مشخص کنیم. آن‌گاه برنامه خود فریم‌های میانی را ایجاد می‌کند. در مثال زیر، طی ۵۰ فریم توپ را از سمت چپ



در تصویر ۱، برنامه «Timeline» در Adobe Flash را مشاهده می‌کنید. در سمت چپ پنج لایه وجود دارد. در جلوی لایه «پس‌زمینه» یک علامت قفل دیده می‌شود که نشان‌دهنده آن است که این لایه و محتویات آن قفل شده‌اند تا از ویرایش‌های ناخواسته و احتمالی در امان باشند. با کلیک مجدد روی نماد قفل، از حالت قفل بودن خارج می‌شود. در جلوی لایه «دکمه‌ها»، نماد یک مداد وجود دارد که بیانگر آن است که این لایه و محتویات آن در حال ویرایش هستند. ما هر کاری انجام بدهیم، روی این لایه انجام خواهد شد.

روبه‌روی لایه «متن‌ها» یک نماد ضربدر قرمز رنگ دیده می‌شود که به معنای مخفی کردن این لایه است تا بتوانیم کار ویرایشی دقیق‌تری روی سایر لایه‌ها انجام بدهیم. اساس کار برنامه فلش نمایش محتویات لایه‌ها با سرعت تنظیم شده است. سرعت نمایش فریم‌ها در تصویر بالا برابر ۲۴ fps است. برای مثال، اگر فایل ما دارای ۲۴۰ فریم باشد، زمان اجرای آن ۱۰ ثانیه می‌شود و بعد از آن مجدداً هدپخش (نوار قرمز رنگی که هم‌اکنون در تصویر روی فریم شماره ۴۵ قرار دارد) به فریم شماره ۱ یک برمی‌گردد و پخش از اول آغاز می‌شود.

محتوای همه لایه‌ها به جز لایه اشکال تا فریم ۵۰ نمایش داده خواهد شد ولی محتویات لایه اشکال، تا فریم ۴۰ وجود دارد و از فریم ۴۰ تا ۵۰ ما محتویات این لایه را نخواهیم دید.



● در آخرین مرحله باید برای آن یک نام انتخاب کنید تا در صورت نیاز آن را صدا بزنید. برای نام‌گذاری ابتدا روی دکمه کلیک کنید و سپس در بالاترین محل پانل properties به جای عبارت «instance name» نام مورد نظر خود را به انگلیسی وارد کنید.

نماد دیگری به نام «movie clip» نیز در برنامه فلش کاربرد زیادی دارد. مراحل ایجاد و نام‌گذاری آن دقیقاً شبیه ساختن دکمه است و فقط به جای انتخاب button پنجره «convert to symbol» باید movie clip را برگزینیم. movie clipها دارای خط زمان مجزا هستند. برای ویرایش و افزودن بخش‌های دیگری به نمادها (Button, movie clip) روی آن‌ها دوبار کلیک کنید و برای خروج از محیط ویرایشی آن‌ها، روی فلش کوچک آبی‌رنگ بالا، سمت راست برنامه فلش، کلیک کنید.

منبع آموزشی

برای افزایش مهارت‌های خود می‌توانید از کتاب «کاربر flash» مخصوص هنرجویان هنرستان استفاده کنید. این کتاب را که متنی ساده و توضیحات و مثال‌هایی عالی دارد، می‌توانید از لینک زیر دریافت کنید:

<http://www.chap.sch.ir/books/1843>

1. frame per second
2. Tweening

پی‌نوشت

«stage» به سمت راست آن منتقل می‌کنیم.

- با کلیک روی فریم شماره ۵۰، شکل مورد نظر خود را رسم می‌کنیم.
- روی فریم شماره ۵۰ راست کلیک می‌کنیم و گزینه «insert frame» را برمی‌گزینیم.
- در فریم اول راست کلیک می‌کنیم و گزینه «create motion tween» را انتخاب می‌کنیم.
- و در آخرین مرحله به فریم ۵۰ می‌رویم و با کشیدن و رها کردن، شکل مورد نظر خود را به مکان مقصد می‌کشیم. در تصویر ۱ ستاره‌ای از سمت چپ به راست انیمیشن شده است. با کلیک روی مسیر، می‌توانید به ویژگی‌هایی از قبیل شتاب حرکت، مسیر حرکت، میزان دوران، جهت دوران و تغییر اندازه در مسیر حرکت در پانل «properties» دسترسی داشته باشید.



کار تمام است و می‌توانید با فشردن کلیدهای «Ctrl+Enter» نتیجه کار خود را ببینید.

ساخت دکمه در برنامه فلش

دکمه‌ها عبارت‌اند از شکل‌ها، تصویرها، متن‌ها یا هر عنصر گرافیکی که ما در حین اجرای برنامه با کلیک کردن روی آن‌ها بتوانیم کاری انجام دهیم. در ادامه کار با برنامه فلش، ما یک شکل هندسی رسم می‌کنیم و سپس آن را به یک دکمه تبدیل می‌کنیم. برای این کار مراحل زیر را دنبال کنید:

- یک شکل به دلخواه رسم کنید (شما می‌توانید از منوی «file-import to stage» یک تصویر دلخواه نیز به stage بیفزایید و آن را به دکمه تبدیل کنید).
- ابزار «select» (بالاترین ابزار در نوار ابزار عمودی سمت راست برنامه) را با دوبار کلیک انتخاب کنید.
- با رفتن به منوی «modify>convert to symbol» و یا زدن کلید میان‌بر F8 کادری ظاهر خواهد شد که از شما نوع نماد را می‌پرسد. باید از منوی کشویی «Button» را انتخاب کنید.

مقاله‌های رسیده و کال

تحریریه مجله

اشاره

مقالات رسیده شما، در دفتر مجله خوانده و بررسی می‌شود. متأسفانه برخی از مقالات با ضوابط ذکر شده در صفحه ۱ مجله فاصله زیادی دارند. مطالعه مطالب این صفحه، در نگارش صحیح مقاله به شما کمک خواهد کرد.



۱ مقاله‌ای مفید از سایتی معتبر خوانده‌اید. به نظر شما مقاله کاملاً مطابق رویکردهای نشریه «مدرسه فردا» است. احتمالاً با خود فکر می‌کنید، خوب است این مقاله را با دوستان و همکارانتان سهیم شوید. بلافاصله مقاله را در برنامه «word» کپی می‌کنید، نام خودتان را به آن اضافه می‌کنید و آن را برای دفتر نشریه می‌فرستید!

۲ پرداختن به موضوعی آموزشی مدت‌ها دغدغه ذهنی شماست. در اینترنت به دنبال راهکاری می‌گردید که پاسخ‌گوی سؤال شما باشد. پس از مدتی جست‌وجو متوجه می‌شوید فرد یا افراد دیگری هم به این موضوع اندیشیده‌اند و پاسخی برایش یافته‌اند. پاسخ آن‌ها را کپی و با درج نام خودتان بازنویسی می‌کنید و به دفتر نشریه می‌فرستید!



۳

جابه‌جا کردن چند جمله در یک مقاله علمی یا مقاله آموزشی، اضافه کردن یا تغییر چند نام، شما را مؤلف مقاله نمی‌کند. اینکه در مقاله‌ای «جک» و «دانشگاه میشیگان» را به «فاطمه» و «دانشگاه تهران» تغییر دهید، دلیل نمی‌شود بگویید مقاله تألیف کرده‌اید و بعد نام خودتان را در ابتدای مقاله بیاورید و آن را برای ما بفرستید!

۴

اگر برداشت‌های متعدد افراد در مقالات مختلف را کنار هم بگذارید و به هم مرتبط کنید، مقاله خواندنی و جالبی درست خواهد شد. به این کار «جمع‌آوری نقل قول‌ها» می‌گویند. این نقل قول‌ها شاید برای بیان در محفل دوستان و همکاران مفید باشند، اما هرگز شما را مؤلف و نویسنده نخواهند کرد. پس هرگز چنین مقاله‌ای را برای دفتر نشریه نفرستید!



۱

برای مشکل آموزشی که پیش رو دارید، به دنبال پاسخ بگردید. ابتدا نقل قول‌ها و مقالات مختلفی را در این زمینه بخوانید و سپس یک راهکار پیشنهاد کنید. راهکار پیشنهادی را تجربه کنید و نتیجه را به قلم خودتان بنویسید. از تصویرهایی که خودتان گرفته‌اید، استفاده و مقاله خود را تنظیم کنید. آن را برای بخش کارشناسی مجله بفرستید. امیدواریم پس از کارشناسی، از تجربه شما در نشریه استفاده شود.

۲

اگر در تألیف مقاله خود قصد دارید از نقل قول مستقیم صاحب‌نظران استفاده کنید، فراموش نکنید حتماً آن را در گیومه قرار دهید و در پایان منبع را ذکر کنید. بدیهی است استفاده از نقل قول‌های مستقیم در یک مقاله چندصفحه‌ای، نباید بیش از یک‌پنجم مقاله را شامل شود.

۳

اگر تجربه نابی از کلاس درس خود دارید، حتماً به فکر تنظیم مقاله‌ای باشید. ابتدا بررسی کنید که همکاران دیگر شما تجربه مشابهی داشته‌اند یا خیر. با خواندن مطالب و مقالات آن‌ها، با دید بازتری می‌توانید مقاله خود را بنویسید. تجربیات ساده شما برای ما ارزشمندتر از مقالات علمی- پژوهشی سنگین و ثقیل‌اند. باور بفرمایید مقالات تجربی قابل استفاده‌تر هستند!

۴

همواره به خاطر داشته باشید، همان‌طور که فناوری به مدد تنظیم راحت‌تر مقاله و استفاده از منابع متعدد آمده است و کمک می‌کند در زمان بسیار کوتاه‌تری با بردن و چسباندن مطالب دیگران، مقاله‌ای با نام خود تنظیم کنید، به بخش کارشناسی نشریه نیز کمک می‌کند مقالاتی را که درصد قابل توجهی از آن‌ها برگرفته از مقالات دیگرانند، به راحتی ردیابی کند!

یاد ایامی که گوگل نبود

Google

سعیده باقری

بعدها خودم در کلاس‌های پژوهش با دانش‌آموزان کار کردم. امروزه دیگر دانش‌آموزان قبل از اینکه وارد مدرسه شوند، بارها به دنبال موضوعات مورد علاقه‌شان در اینترنت جست‌وجو کرده‌اند. جست‌وجو کردن برای آن‌ها به یک مهارت دم‌دستی تبدیل شده است. خیلی راحت کلمه موردنظر را تایپ می‌کنند و به سرعت در دنیایی از مطالب که پیش رویشان شکل می‌گیرد، غرق می‌شوند. برای آن‌ها درک این نکته که کدام صفحه بیشتر با موضوع ارتباط دارد و کدام صفحه اصلاً ارتباطی با کار آن‌ها ندارد، کدام منبع معتبر و کدام غیرقابل استناد محسوب می‌شود، دشوار است. تصمیم‌گیری درباره انتخاب منبع معتبر برای ارائه مطلب در یک کار پژوهشی، به مهارت شناخت منابع معتبر نیاز دارد که پیش از آن در هیچ کلاس یا دوره‌ای با آن آشنا نشده‌اند. پیش از آنکه فرصتی برای تمایز قائل شدن میان منابع در اختیارشان باشد، زیر آوار حجیم اطلاعاتی که بر سرشان می‌ریزد، گرفتار می‌شوند.

به‌عنوان معلم پژوهش، گاهی دانش‌آموزان را به کتابخانه مدرسه می‌برم تا دست‌کم با فضای آن آشنا شوند. درست است که کتابخانه‌های اکثر مدارس امکانات زیادی ندارند و حتی در بهترین شرایط هم پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان امروز که به دنبال جدیدترین مطالب روز می‌گردند، نیستند اما بسیاری از دانش‌آموزان حتی تصور درستی از کاربرد کتاب‌های مرجع ندارند. اگر برای یک بار هم که شده، این کتاب‌ها را در دست بگیرند و در میان ترتیب الفبایی به دنبال واژه‌ای بگردند، تازه متوجه می‌شوند که برخلاف ترتیب الفبای انگلیسی، که از کودکی حفظ بوده‌اند، با ترتیب الفبای فارسی به‌طور دقیق آشنا نیستند!

حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم هنوز هم هرگاه که واژه‌ای را در «گوگل» جست‌وجو می‌کنم، یادداشتی از یک کتاب یا مقاله برمی‌دارم و یا داخل متن کار خود به منبعی ارجاع می‌دهم، مدیون آن دقایقی هستم که در کنار معلمان خود در کتابخانه سپری کرده‌ام.

در مدرسه راهنمایی ما رسم بود تابستان‌ها دانش‌آموزان تحقیق‌های انفرادی یا گروهی انجام دهند. اولین تابستانی که دانش‌آموز آن مدرسه بودم، چیزی از پژوهش نمی‌دانستم و خوب یادم هست که دلم می‌خواست درباره سیاه‌چاله‌ها بیشتر بدانم. با سختی فراوان یک کتاب در این زمینه از یک کتابخانه عمومی گرفتم و بخش‌هایی از آن را رونویسی کردم. متنی را تحویل مدرسه دادم که خودم هم چیزی از آن نمی‌فهمیدم! سال اول راهنمایی هم گاهی معلم‌ها از ما می‌خواستند تحقیق کنیم، اما سال تغییر مقطع بود و آن قدر با آدم‌ها و فضاهای جدید روبه‌رو بودیم که شاید دیگر جایی برای پژوهش باقی نمی‌ماند.

اولین باری را که با الفبای پژوهش آشنا شدم، یادم نمی‌رود. دانش‌آموز سال دوم راهنمایی بودم. معلم تاریخ ما، خانم بقایی رودسری، جست‌وجو در کتاب‌های تاریخ و فیش‌برداری از آن‌ها را به ما یاد داد. یادم نمی‌آید آن موقع عبارت «کلیدواژه» به گوشم خورده باشد، اما خوب یادم هست که یاد گرفتیم در قسمت نمایه و فهرست اعلام آخر کتاب‌ها دنبال موضوع موردنظر خودمان بگردیم. در همان کلاس با برگه‌های فیش‌برداری آشنا شدم و فهمیدم که از همان ابتدا باید منبع هر مطلبی را که جمع‌آوری می‌کنم، به‌طور دقیق با ذکر شماره صفحه یادداشت کنم.

بعد از آن در کلاس‌های زیادی به‌طور عملی و با کمک معلمان خود تمرین پژوهش کردیم. برای بعضی درس‌ها به اتفاق معلم به کتابخانه مدرسه می‌رفتیم. طرز استفاده از برگه‌دان‌های کتابخانه، آرشیو روزنامه‌ها، فرهنگ لغات و حتی کتاب «المعجم المفهرس» برای پژوهش‌های قرآنی، همه را به اتفاق معلم‌ها در کتابخانه مدرسه یاد گرفتیم. بعد از آن هر وقت در کتابی یا جایی واژه ناآشنایی می‌دیدم یا به گوشم می‌خورد، به سراغ کتابخانه می‌رفتم. کتابخانه مدرسه همدم اوقات تنهایی من بود. حتی گاهی بدون اینکه قرار باشد برای مدرسه یا درس خاصی پژوهش کنم، به گوشه و کنار آن سرک می‌کشیدم. خوش‌بختانه این عادت خوب در دانشگاه هم با من ماند.

چقدر مفاخر خود را می شناسید؟

دکتر سپاس بسری کیست؟

سیده فاطمه شبیری

پیشرفت کشور، نخستین کارگاه علوم تجربی پایه‌ای را در سال ۱۳۴۲ در ایران تأسیس می‌کند و به تدریس در دانشگاه تهران و طبابت در اولین بیمارستان خصوصی ایران به نام «گوهرشاد» -که به وسیله خود ایشان و با یاد مادر بزرگوارشان در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد- مشغول می‌شود.

در سال ۱۳۴۴، دکتر نخستین رصدخانه نوین ایران و مرکز عدسی‌سازی و اپتیک کاربردی را در دانشگاه تهران تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۶ با بانوی بزرگوار، سرکار خانم نورخانی، استاد ادبیات دانشگاه تهران، ازدواج کرد و دو سال بعد صاحب اولین فرزند خود به نام مهین شد. در سال ۱۳۴۹ ایشان کتاب خود را با عنوان «پیرامون نظریه داروین و پیچیدگی مغزها» به چاپ رساند. در سال ۱۳۵۰، به‌عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران، از ایشان تقدیر شد. پس از آن استاد همراه با خانواده به آلمان رفت و در دانشگاه عالی بیولوژی آلمان، به تدریس و تحقیق در زمینه‌های گوناگون پرداخت و هم‌زمان در «ایالت سار» به درمان بیماران مشغول شد و بسیاری از جراحی‌های مهم و ابتکاری خود را در این دوره انجام داد و دستگاه‌های بسیاری اختراع کرد. از آن پس، استاد هر سال برای تدریس، هشت ماه در ایران و چهار ماه در فرانسه بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با عشق به خودکفایی، تمام دارایی‌های خود را گذاشت و با تهیه وسایل آزمایشگاهی، بیش از ۱۲۰ دانشجو و استاد را در دانشگاه مشغول به تدریس و تحصیل می‌کرد. در سال ۱۳۶۰، کتاب‌های زیست‌شناسی دوم و سوم دبیرستان را

دکتر در ابتدا به نجوم علاقه‌مند بودند و تحصیل خود را در سن ۱۷ سالگی در رشته کیهان‌شناسی دانشگاه تهران آغاز کرد، اما بعدها متأثر از پدر و تلاش‌های برادر بزرگوارشان، در ۱۸ سالگی تحصیل در دانشکده طب دانشگاه تهران را آغاز کرد و در سال ۱۳۳۳ موفق به دریافت مدرک خود در رشته پزشکی عمومی شد. آن‌گاه به دعوت دانشگاه کالیفرنیا، دوره تخصص خود را در رشته مغز و اعصاب آغاز کرد و در سال ۱۳۳۷، پس از طی دوره فوق تخصص خود در «رشته نوروساینس»، پایان‌نامه دکترای بیولوژی خود را با عنوان «نگرشی بر جراحی‌های میکروسکوپی» با درجه عالی از دست پروفیسور بزرگ زمان، پروفیسور فابری دریافت کرد.

دکتر سپاس بسری، هم وجود دارد و هم وجود ندارد! وجود دارد؛ چون مخفف «ستاد پروژه‌های انسانی سمیاد، بچه‌های سواد رسانه‌ای» است، و وجود ندارد؛ چون زندگی‌نامه او ساخته و پرداخته ذهن آن‌هاست

از آن پس، دکتر در دانشگاه آریزونا مشغول به تدریس می‌شود و هم‌زمان به مطالعه در زمینه فیزیک کوانتوم نیز پردازد. در سال ۱۳۴۰ نخستین لابراتوار جراحی میکروسکوپی مغز را در آمریکا راه‌اندازی می‌کند. سرانجام استاد در سال ۱۳۴۱ به ایران برمی‌گردد و پس از سال‌ها دوری از وطن، در راستای

وارد مدرسه می‌شویم. شور و هیجان از در و دیوار می‌بارد. برگزاری «کارگاه علوم» یا همان «نمایشگاه پژوهش‌های دانش‌آموزی»، اتفاقی است که یک‌بار در سال می‌افتد و همه فعالیت‌های «دبیرستان فرزنانگان» را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ پژوهش‌های علمی در زمینه‌های گوناگون مثل ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، نجوم، رباتیک، هوا فضا و علوم انسانی.

در همان بدو ورود و در حیات مدرسه، می‌بینیم که بعضی از دانش‌آموزان، نوارهای سیاه‌رنگی به بازوی خود بسته‌اند که روی آن‌ها نوشته شده است: «ستاد بزرگداشت دکتر سپاس بسری». کنجکاو می‌شویم بدانیم داستان چیست. قبل از ورود به ساختمان اصلی مدرسه، اطلاعاتی توجه‌مان را جلب می‌کند که نوار سیاه در گوشه بالای آن کشیده شده است؛ اطلاعاتی درگذشت و شرح زندگی دکتر سپاس بسری است:

زندگی‌نامه دکتر سپاس بسری

ایشان در سال ۱۳۰۸ در روستای مندیل بسر در نزدیکی مراغه چشم به جهان گشودند و پس از طی دوران کودکی، به‌همراه خانواده عازم تبریز شدند و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آنجا سپری کردند. در سال ۱۳۲۰، در اوج جنگ جهانی دوم، با شیوع بیماری وبا در نقاطی از کشور از جمله تبریز، پدر ایشان جان به جان آفرین تسلیم کرد و از آن پس، تأمین مایحتاج خانواده به دوش دکتر سپاس و برادر بزرگوارشان افتاد و ایشان در اوج شور جوانی، در کنار تحصیل، به کار مشغول شدند.

تألیف کرد و در سال ۱۳۶۲، «واژه‌نامه تخصصی بیولوژی» خود را به دو زبان به چاپ رساند. در سال ۱۳۶۳ در «دبیرستان فرزندگان» تهران شروع به تدریس کرد و در همان سال، ایده برگزاری کارگاهی در راستای ارائه فعالیت‌ها و پژوهش‌های دانش‌آموزی را مطرح کرد. با تلاش فراوان او، در آن سال، اولین کارگاه علمی دانش‌آموزی برگزار شد.

بچه‌های کلاس سواد رسانه‌ای سعی کرده‌اند با وام گرفتن عناصری از زندگی افراد مشهور مثل دکتر حسابی، این زندگی‌نامه را باورپذیر کنند و این یکی از شگردهای افرادی است که هوکس می‌سازند و...

در سال ۱۳۶۶ در «کنگره ۶۰ سال زیست‌شناسی ایران»، به‌عنوان مرد اول علمی کشور برگزیده شد و در سال ۱۳۷۱، بزرگ‌ترین نشان علمی آلمان، «کومان‌دور دولایون دونورو افسیسه دولایون دونور» به ایشان اهدا شد. در سال ۱۳۷۵ برنده مدال فناوری و نوآوری در آمریکا شد. در سال ۱۳۷۷ رشته زیست‌شناسی فضایی را در دانشگاه تهران بنیان‌گذاری کرد و سبب شد ایران از پیش‌سازان این زمینه باشد (بعد از فرانسه). در سال ۱۳۸۵ کتاب‌هایی در زمینه بیوفیزیک و آخرین کتاب خود را با عنوان «فیزیک مغز» به چاپ رساند و در سال ۱۳۸۷ سخنرانی بین‌المللی خود را در حضور جمعی از دانشجویان و مفاخر جهان در زمینه نوروساینس در اتریش برگزار کرد.

سرانجام در ۷ بهمن ۱۳۹۱ در بیمارستان دانشگاه ژنو، هنگام معالجه قلب، بدرود حیات گفت و طبق خواسته

خود در روستای محل تولدش، مندیل، به خاک سپرده شد. از ایشان پیش از ۳۷ عنوان اختراع و بیش از ۵۰۰ مقاله علمی و ۱۷ کتاب مرجع و بیش از ۲۳ کتاب علمی به چاپ رسیده است.»

شرح حال را می‌خوانیم و متأسف از اینکه نام این شخصیت را قبلاً نشنیده‌ایم، وارد ساختمان می‌شویم. اولین اولویت ما برای بازدید از پروژه‌ها، پروژه‌های علوم انسانی است. نه تنها به دلیل آنکه فرزند خودمان در این بخش، پروژه ارائه می‌کند، بلکه بیشتر از آن‌رو که سال گذشته، یکی از بخش‌های جذاب و متفاوت نمایشگاه، بخش پروژه‌های علوم انسانی بوده و همین کافی است که ما در بدو ورود، سراغ این بخش برویم. صبر می‌کنیم تا تعداد افراد بازدیدکننده از بخش علوم انسانی به حد نصاب برسد تا در سالن باز شود. بازدید از این بخش در گروه‌های ۱۵ نفره انجام می‌شود. در اولین اتاق، با پوسترهایی روبه‌رو می‌شویم که روی در و دیوار نصب شده‌اند. همه با این مضمون‌ها که: «چقدر مفاخر خود را می‌شناسید؟ آیا با دکتر سپاس بسری آشنا هستید؟ و...»

در گوشه‌ای از اتاق هم میزی قرار دارد و روی آن چند تابلوی مثبت‌کاری شده تقدیر و تشویق قرار دارد؛ همه خطاب به دکتر سپاس بسری. لوح‌های تقدیری از سوی رئیس جمهور وقت و رؤسای سازمان‌های متفاوت. چند تقدیرنامه هم به زبان‌های انگلیسی و فرانسه در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. یکی از دانش‌آموزان شروع به صحبت می‌کند و بعد از توضیح شرح حالی که ما تقریباً همه آن را بیرون ساختمان در اطلاعیه روی دیوار خوانده‌ایم، می‌گوید: «ما از زمانی که فهمیدیم دکتر سپاس بسری از دنیا رفته‌اند و نیز دانستیم ایشان، زمانی در سال ۱۳۶۳ در مدرسه ما تدریس زیست‌شناسی داشته‌اند، خود را ملزم کردیم برای ادای دین به ایشان، پروژه‌های خود را نیمه‌کاره رها کنیم و

به بررسی شخصیت و آشنایی با زندگی ایشان بپردازیم. با خانواده و دوستان ایشان هم گفت‌وگوهایی داشتیم. این تقدیرنامه‌ها را هم از خانواده ایشان به امانت گرفته‌ایم.»

این دانش‌آموز، جایی در میان صحبت‌هایش گفت: «اگر در بعضی از بزرگراه‌ها و خیابان‌های تهران، پروژه ایستگاه خط پنج متروی تهران را دیده باشید، شاید به‌خاطر بیاورید که در کنار آن، روی تابلویی نوشته است: مجری، سپاسد. در واقع این را فرزند دکتر سپاس بسری به یادبود پدرش انجام داده و هزینه آن را پرداخته است.»

به اینجای صحبت که می‌رسد، همسر آرام پیچ‌پیچ می‌کند: «چه ربطی دارد؟ سپاسد مال سپاه است...»، ولی این را بلند نمی‌گوید. دانش‌آموز توضیح‌دهنده، بعد از پایان صحبت‌هایش می‌گوید، از اتاق که وارد سالن شدید، ابتدا در سمت چپ، پروژه‌های ما را ببینید و بعد در بخش بعدی سالن، روی صندلی‌ها بنشینید. وارد سالن که می‌شویم، دخترمان را می‌بینیم و به او می‌گوییم که حرف‌های دوستش به نظرمان نامربوط آمده است. لبخندی می‌زند و می‌گوید این را به معلم بگویید. سراغ معلم می‌رویم و موضوع را مطرح می‌کنیم. خانم قنبری، مسئول پژوهش‌های گروه علوم انسانی دبیرستان، هم خنده‌ای می‌کند و می‌گوید که در طول این دو روز، شما جزو معدود افرادی هستید که به یک تناقض پی برده‌اند. و بعد برای توضیح بیشتر، ما را راهنمایی می‌کند به سمت محل نشستن. البته ظاهراً ما تنها کسانی نیستیم که متوجه خطا شده‌اند. در این میان، بازدیدکننده دیگری نیز به من می‌گوید که اطلاعات داده شده درست نیست. می‌گوید من خودم در دانشگاه تهران فیزیک خوانده‌ام و رشته فیزیک کیهانی، آن هم در آن تاریخ، در دانشگاه تهران، چیزی بی‌معناست!

جمعیت روی صندلی‌ها که کامل



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهانه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان امادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهانه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهانه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

می‌شود، یکی از دانش‌آموزان شروع به صحبت می‌کند و شرح می‌دهد که دکتر سپاس بسری، ساخته ذهن بچه‌های کلاس سواد رسانه‌ای است. از «هوکس»‌ها می‌گوید و اینکه چرا و با چه هدفی ساخته می‌شوند، چگونه ساخته می‌شوند، چه ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را برای مخاطب باورپذیر می‌کنند، و چگونه می‌توان به شایعه بودن این مطالب پی برد. از تناقض‌های موجود در زندگی‌نامه دکتر سپاس بسری می‌گوید؛ مثلاً اینکه... (نه، بهتر است خودتان را محک بزنید. یک‌بار دیگر زندگی‌نامه را بخوانید و ببینید چند تناقض می‌توانید از این متن استخراج کنید؟) از جعلی بودن تقدیرنامه‌ها می‌گوید و اینکه اگر دقت می‌کردید، هیچ‌کدام از آن‌ها مهر و امضا یا عنوان مشخصی نداشتند. می‌گوید اگر در اینترنت، نام دکتر سپاس بسری را جست‌وجو کنید (که من بعد از بازگشت از نمایشگاه این کار را کردم)، خواهید دید چند وبلاگ، این زندگی‌نامه را نوشته‌اند، اما یا مرجع و منبعشان نامشخص است یا ارجاعشان به یکدیگر است.

از مخاطبان عذرخواهی می‌کند و می‌گوید: «ما قصد سرکار گذاشتن شما را نداشتیم. تنها می‌خواستیم شما را در موقعیت قرار دهیم تا خودتان تجربه کنید و ببینید چقدر در مقابل اطلاعاتی که دریافت می‌کنید، حساس هستید، چقدر به تناقضات موجود در آن‌ها توجه می‌کنید و چقدر آن‌ها را باور می‌کنید». می‌گوید که دکتر سپاس بسری، هم وجود دارد و هم وجود ندارد! وجود دارد؛ چون مخفف «ستاد پروژه‌های انسانی سمپاد، بچه‌های سواد رسانه‌ای» است، و وجود ندارد؛ چون زندگی‌نامه او ساخته و پرداخته ذهن آن‌هاست. می‌گوید بچه‌های کلاس سواد رسانه‌ای سعی کرده‌اند با وام گرفتن عناصری از زندگی افراد مشهور مثل دکتر حسینی، این زندگی‌نامه را باورپذیر کنند و این یکی از شگردهای افرادی است که هوکس می‌سازند و...

بعد هم جمع را هدایت می‌کند به سمت دیگر سالن، تا تناقض‌های موجود در این زندگی‌نامه را که بر دیوار نصب یا از سقف آویزان کرده بودند، ببینیم. از سالن خارج می‌شویم تا گروه بعدی وارد شوند.

اعتراف می‌کنم آنچه در این بازدید کوتاه، درباره سواد رسانه‌ای و هوکس‌ها آموختم، عمیقاً بر جانم نشست و تقریباً تمام آموخته‌هایم در آن زمان کمتر از ۳۰ دقیقه را موبه‌مو به‌خاطر دارم. حتم دارم این تأثیر به‌دلیل نحوه متفاوت ارائه و قرار گرفتن در موقعیت بوده است و فکر می‌کنم برای بیشتر بازدیدکنندگان این اتفاق افتاد. این را می‌شد از نظرهای آنان که روی کاغذ نصب شده روی دیوار نوشته بودند، فهمید. شاید اغراق نباشد اگر بگویم تا امروز که برای مجله «مدرسه فردا» قلم می‌زنم، داستان دکتر سپاس بسری را برای ده‌ها نفر تعریف کرده‌ام و موضوع سواد رسانه‌ای برایم بسیار جدی و پررنگ شده است. به‌راحتی هر نوشته‌ای را باور نمی‌کنم؛ حتی اگر با هدفی مقدس و برای اینکه من به ایرانی بودنم افتخار کنم، برایم بفرستند: «مایکروسافت نام ویندوز XP را از خوارزمی الهام گرفته است!»^۲

پی‌نوشت

1. hoax

۲. در این مطلب که مدتی بسیار شایع شده بود، چندین تناقض آشکار و عجیب وجود دارد. برای دیدن جزئیات موارد تناقض به سایت gomaneh.ir مراجعه کنید.



مشابه‌یاب مقالات

فرشته سعیدی

<http://www.samimnoor.ir/View/fa/Help>

«فناوری اطلاعات و ارتباطات» در کنار کمک‌های شایان توجه به پژوهشگران، در پاسخ به تقاضاهای پرشمار تحقیق و پژوهش در سراسر دنیا امکانات فراوانی برای افراد سودجو و متقلب فراهم کرده است تا با کمترین تلاش، مکتوباتی را به‌عنوان تحقیق و پژوهش یا مقاله علمی ارائه دهند که خودشان در تولید واقعی آن کمتر نقش داشته‌اند.

در عین حال، همین فناوری ابزارهای رایگان زیادی را هم فراهم آورده است که به کمک آن‌ها می‌توان آثار غیراصولی و کپی شده را شناسایی کرد. ساده‌ترین راه برای شناسایی مطالبی که از اینترنت کپی شده‌اند، جست‌وجوی چند جمله آن‌ها با یکی از موتورهای جست‌وجو است. اما متقلبان حرفه‌ای و آنان که در بازار سیاه فروش تحقیق و پژوهش کار می‌کنند، معمولاً از منابعی تقلب می‌کنند که کمتر در دسترس هستند. آن‌ها گاهی با تغییر جمله‌بندی مقاله، کار تشخیص اصالت تحقیق و پژوهش را سخت می‌کنند.

کشورهای انگلیسی زبان سال‌هاست که با به‌کارگیری هوش مصنوعی و ترفندهای زبان‌شناسی، نرم‌افزارهای شبیه‌یابی طراحی کرده‌اند که با جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی قدرتمند، اصالت مقالات و پژوهش‌های انجام شده را بررسی می‌کنند. به تازگی «مؤسسه نرم‌افزاری نور» در شهر مقدس قم نیز نرم‌افزاری را طراحی و پیاده‌سازی کرده است که به فارسی‌زبانان کمک می‌کند اصالت مقالات و پژوهش‌ها را بررسی و متقلبان را رسوا کنند.

در حال حاضر، عضویت در این سایت رایگان است و تا سقف ۱۵ صفحه را نیز می‌توان بدون خرید اعتبار بررسی کرد، اما برای استفاده بیشتر باید مبلغی برای خرید اعتبار پرداخت.



وزارت آموزش و پرورش
معاون پژوهش و فناوری آموزشی
دفتر نشریات پژوهشی آموزش

اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واريزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات درخواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد: ◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

.....

خیابان:

.....

پلاک: شماره پستی:

.....

شماره فیش بانکی:

.....

مبلغ پرداختی:

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

- ◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- ◆ اشتراک مجله: ۱۴-۱۳۹۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۵۶/۷۷۳۳۶۵۶-۲۱

- ◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال
- ◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

